



شهر قصه . نمایشنامه در دو پرده و چهار صحنه

این بازی در تاریخ بیست و یکم شهریور ۱۳۴۷ برای نخستین بار در جشن هنر شیراز - تالار دانشگاه پهلوی، به روی صحنه آمد و بار دیگر به مدت نود و یک روز در تهران تاتر ۲۵ شهریور و نیز در شهرهای آبادان و مسجد سلیمان نمایش داده شده است.

این نمایشنامه با عنوان نمایش برگزیده تلویزیون ملی ایران در جشن هنر شیراز ۱۳۴۷ بر روی صحنه برده شد و به دریافت امتیاز نائل آمد.

در سال ۱۳۴۷ یکبار در جشن هنر شیراز و دوبار در تالار بیست و پنج شهریور بازی شد.

فیل	حسین والامنش
روپاه	عباس جاویدان
اسب	سهیل سوزنی
شتر	اردوان مفید
موش	هومن مفید

«... شهر قصه در اصل از یک روایت عامیانه گرفته شده : منتهی من به این روایت شکلی تمثیلی داده ام. من در این نمایشنامه کوشیدم تا نظمی را که خاص زبان این قبیل روایتهای عامیانه است در گفتگوی آدمهای این نمایش حفظ شود.»
«شهر قصه» حکایت دردناک آدمی است که نادانیهها، خرافات و سنتها و نظامهای تحمیل شده ی زندگی را محدود کرده اند.

بیژن مفید

شهر قصه

صحنه : چارسوق شهر قصه با حجره هانی در اطراف .
گوینده وارد می شود.

گوینده

یکی بود ، یکی نبود .

اون زمونای قدیم ،

زیرگنبد کبود ،

میون جنگل سبز ، لای درختای قشنگ ،

شهریاصغایی بود .

دورتادورش گل سرخ .

روپروش کوه بلند .

باچمن های وسیع

که پرازشاپرک .

مردماتش همه خوب .

همه پاک و مهربون .

همه پرکار و زرنگ .

همه روز صبح سحر وقت اذون ،

همه بیدار می شدن ،

تا برن با عجله ،

سرکار خودشون .

(اهالی شهر قصه تک تک وارد می شوند و جلوی

حجره ی خود قرار می گیرند .)

راستی داشت یادم می رفت .

اسم این شهر قشنگ ،

شهر قصه بود ... یادتون نره !

باری کجا بودیم ؟

آره ، از مردم شهر حرف می زدیم .

بچه های خوب که شما باشین

توی شهر قصه هم

مثل هر جای دیگه

هرکسی یه کاری داشت

خره خراطی می کرد

(خر ، به هینت جاهلها و بکه بزنها پیش می آید)

خر
 قلیونای خوب داریم
 گلدونای خوشگل مرغوب داریم
 آقاییون بفرمانین
 خانوما بفرمانین
 گوینده
 بعد نزدیک غروب
 دست از کار می کشید
 رو سرش کلاه مخملی می داشت
 کتتشو یک وری می نداخت رو شونه ش
 سیبیلش رو تاب می داد، گشادگشاد راه می رفت،
 سرچارسوق می نشست غزل می خوند ،
 چارسوقو قرق می کرد.
 شتره نمدمالی میکرد.
 شتر
 نمداي خوب داریم
 جنسهاي مرغوب داریم
 کپنک ، کلاه نمدي
 واسه بچه چوپونا
 که روکوهایی بلند نی می زنن ،
 آقاییون بفرمانین کلاه نمدي
 آخ اونم چه نمدي !
 همه از پشمهای اعلاي شتر
 که خود بنده باشم ، درست شده
 گاهی هم که کار وبار خوب نبود
 گوینده
 برای مردم شهر قصه نقالی می کرد
 خرگوشه رزازی می کرد
 (خاله سوسکه با طنازی چارسوق را دور می زد)
 خاله سوسکه این وسط
 با مینی ژوپ خودش
 دل مردم می برد
 توکوچه اینور و اونور می دوید ، ناز می کرد .
 خلاصه حسابی طنازی می کرد .
 (خرس ور وباه به دنبال خاله سوسکه راه می افتند ،
 خرس از صحنه خارج می شود)
 بزه بزازی می کرد
 توی حجره اش سرچارسوق می نشست
 پارچه ها رو زرغ می کرد
 با شاخش پاره می کرد .
 سگه عطاری می کرد
 سگ
 آقاییون بفرمانین .
 خانوما بفرمانین .
 چی چی میل دارین بدم؟
 گل ختمی؟ شیرخشت؟
 مغز بادوم؟ زردچوبه؟
 می خواهین فلوس بدم؟

واسه ي رودل خوبه .
 آخ عناب نگو !
 عین لپ دختراس
 از سه یسون چي بگم !
 دوای درد شماست !
 دلتون درد می کنه !
 سرتون گیج می ره !
 پاهاتون چون نداره !
 شبا سرفه می کنین !
 دو اتون پیش منه .
 آقایون بفرمانین .
 خانوما بفرمانین .
 کلاغه خبرچینی می کرد
 قاطر نعلبندی می کرد
 آقایون بفرمانین .
 خانوما بفرمانین .
 يك حراج واقعی !
 يك حراج بی نظیر !
 نعلو ارزون کردم !
 باعث آباد بشه نعلو ببین !
 واسه پای خر خوبه !
 واسه پای اسب خوبه !
 خانوما که سم دارین !
 آقایون که سم دارین !
 نعلهای شیک داریم .
 نعلهای آهني ،
 نعلهای چوبي و چرم ویلاستیک داریم !
 نعلهای نشکن پاشنه کوتاه ،
 نعلهای محکم پاشنه بلند .
 مدل امسال مکزیك داریم .
 نعلهای پنجه پهن ،
 نعلهای پنجه باریك داریم .
 همه آخرین مدل ،
 مال اولین مزون ،
 از روی ژورنال نعل این سزون !
 خانومای با سلیقه می دونن من چي می گم .
 آقایون بفرمانین .
 خانوما بفرمانین .
 روی يك درخت بيد شونه بسر نشسته بود ،
 سرشو شونه می کرد .
 روباه ملا شده بود ،
 بچه ها رو درس می داد .
 بدونین ،

گوینده

قاطر

گوینده

روباه

تنبلای بیسواد ! بنشینین . (دیگران با کتاب و دفتر پیش می آیند و به شیوه ی مکتب گرد هم روی زمین می نشینند) حاضرین ؟ البته خوب	همه روپاه
الف ابن ، اب نین ، که آ ابن من الاین ابینا . (دیگران تکرار می کنند) ب ببین بب نین که با بین من البین ببینا . (دیگران تکرار می کنند خاله سوسکه کتاب زیر بغل با عجله وارد می شود) د بدو همشیره ! خاک بسرم !	خاله
بازم انگار به کمی دیر اومدم . (همه به خاله سوسکه نگاه می کنند و جابجا می شوند) پله مثل هر روز . خیلی معذرت می خوام . خوب حالا بفرمائین . خوب دیگه شروع کنیم (خاله سوسکه می رود و زیر پای میمون روی پله ها می نشیند)	روپاه خاله روپاه
الف دوزیران و دوزیران و دو پیشان . آن ان آن . الف دوزیران و دوزیران ، و ... خرس رمال گوش کند ! (خرس وارد می شود) (روپاه ناخنهای خرس را واری می کند . خرس می نشیند) ... دو پیشان ، ان . ان . ان .	همه روپاه
ب دوزیر بن و دوزیر بن و دو پیشان . (دیگران تکرار می کنند) ب دوزیر بن و دوزیر و ... خاله سوسکه گوش کند ! (بطرف خاله سوسکه می رود و می کوشد خود را به او بچسباند) دوزیر بن و ... بن ... بن ...	روپاه
(کلافه) بن !! ... دو پیشان ! (دیگران تکرار می کنند) جیم دوزیر جن و دوزیر جن و دو پیشان جن . (بطرف خاله می رود خاله روی خود را برمی گرداند) جن . جن . جن .	خاله روپاه همه

جن! جن! جن!	روباہ
چطو شده؟	خرس
جن آمده!	شتر
جن؟ نه بابا؟	خاله
کوش؟... کجا رفت؟	خرس
بگماتم که زیر عباي ملا رفته است .	روباہ
(با وحشت) چي؟ زیر عباي من ؟	
واي! واي!	همه
جن جن جن	
(روباہ از وحشت با لا و پائين مي جهد ، کلاس بهم مي ريزد و شاگردان دور روباہ مي رقصند – رقصي شبیه مراسم سينه زني . و روباہ مي گريزد)	گوينده
خوب ديگه لابد همه فهميدن ،	
که خرسه رمالي مي کرد	
سرکتاب واز مي کرد ، فال مي گرفت ،	
رمل و اسطرلابشو ،	
توي دستش تاب مي داد ،	
زیر لب دعا مي خواند ،	
دورتا دورش فوت مي کرد ،	
بعد سرفه اي مي کرد ، بادي به غيغب مي آورد ،	
که ...	خرس
... بله همشيره .	
خوب گوش کن چي مي گم .	
طالعت هست بلند	
که من امروز شما را ديدم .	
واقعاً طالع خوبی داري .	
چون همین الساعه	
برج تو درقمر است	
برج عقرب در ماه	
يا قمر درعقرب	
(ميمون با حالت معترض بطرف خرس مي رود)	
چه تفاوت داره؟	
منقلوتن وزقا	
حپروتن کذباً .	
حشراتن صفحاتن ممه هات ...	
(دور خاله سوسکه مي گردد . خاله سوسکه به سرعت	
خارج مي شود .)	
گوش کن همشيره	
لا اله الله!	
(همه به او مي خندند . خرس مي رود و مي نشيند)	گوينده
خوب اينهم مال خرس	
ديگه کي مونده؟ ... بله .	
خرس سخنراني مي کرد	
طوطيه شعر مي گفت ،	

- تو مجله چاپ می کرد
 موشه ... صبر کن ببینم
 اوه آره یادم اومد
 موشه هیچ کاری نداشت
 فقط عاشق شده بود
 (موش از بالای پله ها آواز می خواند و پانین می آید)
 نه دیگه این واسه ما دل نمی شه
 نه دیگه این واسه ما دل نمی شه
 هرچی من بهش نصیحت می کنم
 که بابا آدم عاقل آخه عاشق نمی شه
 میگه یا اسم آدم دل نمی شه
 یا اگر شد دیگه عاقل نمی شه
 (بطرف خرس می رود)
 بش می گم چون دلم
 اینهمه دل توی دنیاست ، چرا
 به کدوم مثل دل خراب صاب مرده ی من
 یا بی زنه ای خوشگل نمی شه؟
 (موش تکرار می کند و بطرف روباه می رود)
 چرا از اینهمه دل
 به کدوم مثل تو دیوونه ی زنجیری نیست ؟
 به کدوم صبح تا غروب
 تو کوچه ول نمی شه ؟
 (موش تکرار می کند و سپس ادامه می دهد)
 میگه به دل مگه از پولاده
 که تو این دوره زمونه چششو هم بذاره
 هیچ چیزی نبینه
 یا اگر چیزی دید
 خم به ابروش نیاره ؟
 (بطرف شتر می رود)
 میگم آخه بابا جون
 اون دل پولادی
 دستکم دنبال کیف خودشه
 دیگه از اشک چشش
 زیر پاش گل نمی شه
 (موش با اوقات تلخی از او روی می گرداند)
 میگه هرسکه میشه قلب باشه
 اما هرچی قلب شد دل نمی شه
 (موش تبسم می کند و ادامه می دهد)
 نه دیگه ... این واسه ما دل نمی شه
 (موش از پله ها بالا می رود و ناپدید می شود)
 نه دیگه این دل واسه ما دل نمی شه .
 قورباغه غواصی می کرد
 میمونه رقاصی می کرد

خرس

روباه

موش

شتر

میمون

موش

گوینده

همه رو از خنده روده بر می کرد پته ی مردم نادرستو بر آب می ریخت . (میمون به میان چارسوق می آید و همراه آوازی که می خواند کشت گندم از هنگام افشاندن بذر تایختن نان با حرکت مجسم می کند. اما درهر حال یکی از اهالی شهر مقداری از دسترنج او را می نذرد) گندم گل گندم گل گندم گل گندم (۲)	میمون همه
زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲) گندم می کاریم همچین و همچون گل گندم (۲) زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲) درو اش می کنیم همچین و همچون گل گندم (۲) زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲) آسیاب میبریم همچین و همچون گل گندم (۲) زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲) آردش می کنیم همچین و همچون گل گندم (۲) زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲) ما نون می پزیم همچین و همچون گل گندم (۲) زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲) وقتی می خوریم همچین و همچون گل گندم (۲)	میمون همه میمون همه میمون همه میمون همه میمون همه میمون همه
(می نشیند تا یک لقمه نانی را که برایش باقی مانده بخورد . اما خر پیش می آید و آنرا هم از دستش می قاپد میمون دستهای خالی خودش را تکان می دهد و از طناب خودش بالا می رود و ناپدید می شود) زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲) تا هفت هشت سال پیش از این یک روزی تنگ غروب فیل اومد به شهر ما (همه با دیدن فیل بطرفی فرار می کنند) مردم شهر همه مشغول کاراشون بودن فیل اومد تموشا کنه افتاد و دندونش شکست . آی .. آی	همه گوینده فیل
بدونین ای آقایون بدونین ای خانوما پزشک و بیطار بیارین دکتر و جراح بیارین (به محض اینکه مردم شهر فیل را موجودی دست و پا چلفتی و بسیار مودب و خجالتی می یابند ، ترسشان می ریزد و یکی یکی پیش می آیند) اگه شیر خشت می خوای اگه عناب و سه پسون می خوری جنس خیلی خوب دارم گل ختمی ، گل کاسنی ، بیبچم ؟ نه بابا گل چی چیه ؟ من بدبخت بی دندون دارم اینجا می میرم دسته گل می خوام چی کار ؟ عوضش خودم برات فلیون نی بیچ می یارم	سگ فیل خر

قاب عکس و چپق و گلدون خاتم می یارم حنای خوب نمی خوای؟ لا اله الله	اسب فیل
پارچه های فاستونی پارچه های پشمی زمستونی این یکی اسپرتیه این یکی شطرنجیه آقا این شطرنجی بشما خیلی می یاد .	بز
اصلا انگار که مخصوص شما بافته اند . (پارچه ها را روی بدن فیل آزمایش می کند) ببینین رنگ چیه، جنس چیه ! آخ ولم کن جانم ! جان سرکار نمی شه . بخدا این به قواره دیگه پیدا نمی شه ! نمی خواین؟ پارچه ی راه راه بدم یا از این دانتل مخصوص عروس تو تابسون خنکه جان شما .	فیل بز
بابا ول کن مردم ! خوب بیرم براتون ؟ چند متر بستونه؟	فیل بز
آخه من پارچه ی شطرنجی می خوام برای چی؟ دسته گل می خوام چیکار؟ چپق و نعل و حنا می خوام چیکار؟ دارم از دست می رم آخ خدایا چه کنم ... ؟ چه کنم چاره کنم ؟ یه چیزی بدین پاره کنم ! من دیگه ندون ندارم ، دکتر و جراح بیارین حال ندارم چون ندارم ... حکیم و بیطار بیارین ای بابا دلت خوشه ما اینجا دکتر نداریم حکیم مفت خور نداریم	فیل
پس اگر مریض بشین ، آبله مرغون بگیرین ، سیاسرفه بگیرین یا مخمک دربیارین ، کی باهاس دردتونو دوا کنه ؟ تو کدوم دواخونه نسخه ی هفت رنگ میبیچن؟ خوب مگه مرض داریم مریض بشیم؟	خر فیل
توی این شهر بزرگ نه کلینیکی هست نه دواخونه ، نه بیمارستان .	خر اسب
ببینیم اسم سرکار چی باشه؟ (می ترسد)	خر فیل

ب ... ب ... بنده ... فی ... فیلم (به دیگران) میگه اسمش فی فیله ! (وارد می شود و روی دستهای خر می نشیند) فی فیل خان بفرما	خر طوطی
شعر می خونی بسم الله ! قصیده های اعلا غزل بسبک مولا رباعی های گرمون دوبیتی های شیراز چون می ده واسه آواز غزل بسبک سعدي غزل بسبک حافظ شعر سفید يك دست که قافیه نداره رفته بر اش بیاره . ولش کن فوقول سواد نداره کسی که سواد نداره اینهمه باد نداره	خر طوطی خر طوطی
(بلند می شود و بطرف فیل می رود . فیل بطرف سقاخانه فرار می کند . خرس بدنبالش می رود و روی پله سقاخانه می نشیند) یا الله ... یا الله خوش آمدی بفرما فالگیر و رمالم من اسمتو بگو تا چنتو بگیرم کف بین و رمالم من دستتو بده طالع تو ببینم . (دست فیل را می گیرد) نامه داری تو راهه . يك زن لاغر اندام دشمنته ... دشمن رو سیاهه همین روزا پولی به دستت می رسه کدوم پول ؟	خرس روباه خرس روباه
پول زیادی که می شه حواله از طرف عمه ، عمو ، یا خاله . بفرمانید که این پول چقدر است ، چطور است ، حلال است ، حرام است ؟ اونشو دیگه چه عرض کنم ... (از بالا) ... بگم من ؟	خرس میمون

فیل	آخه این عاجه عزیز دل من ، گیوه که نیست ! پنبه دوز می خوام چی کار ؟
خرس	(خر و خرس درگوشی باهم صحبت می کنن) پس یه نجار بیاریم نجارها اره دارن ، اره ی برنده دارن ، می ندازه اون یکیم از ریشه بیرون می یاره .
فیل	چی چی ؟ شوخی می کنین !
خرس	نه برادر چرا شوخی بکنم ؟ آخه این شد دندون ؟
خر	داشم بچه نشو ، بذار این دندون بیرخت و کج مضحک رو از دهانت بکنیم .
فیل	چی میگی مرد حسابی ؟ ... این عاج اینکه دندون کج و مضحکيه
خر	چون من ... چون شما ... چون همه صد تومن می خریدنش نمی دادمش ! (به خرس نزدیک می شود) بیا اینجا ببینم ... راست می گه و ا دندونش سرپالاستت کج و کوله است
خرس	... ولی بی همتاست
خر	چون می ده برای یه دسته چپق .
فیل	وای که مردم از درد !
خرس	خوب چرا داد می زنی؟ عیب نداره . اگه دکتر نداریم خر خراطه که داریم
روباه	همین الان مته برق دندوناتو می کنه دسته چپق
فیل	ای وای مردم ، چه کنم ؟!
همه	بشکن و راحتش کن . خوشگلو مقبولش کن .
خرس	بشکن بشکنه
همه	زودباش !
فیل	دندون منه !
همه	زود باش
فیل	من نمی دارم .
همه	یا له !
فیل	عاج صد تومنه !
همه	یااله !
گوینده	(همه گرد فیل حلقه می زنند ، عاج دیگرش را هم می برند و روی سرش کار می گذارند) بله بچه های نازنین من دندونای فیل هردو کنده شد .

(همه از اطراف فیل پراکنده می شوند) آخه فیل شاخ نداره فیل که بی دندون نمی شه من می گم خرطومشتم زیادیه آخه این دماغ نشد این شیلنگه به خدا .	خر اسب سگ
(روباه جلو می رود) آقایان برن کنار آقایان برن کنار بنده از لحاظ علم الادیان باید از بینی این مرد غریب با چنین هیئت بدقواره ی بد ترکیب دو سه تا نمونه برداری کنم . چی آقا ، نمونه برداری ؟ از دماغ من؟	روباه فیل شتر
ای بابا غصه نخور تازشم خیلی بخواد از دماغت بکنه پیش این دماغه کنده چی می شه واسه ی شما چه تاثیری داره ، بدرد اون چی می خوره ؟ بله البته درسته کاملاً . ولی خوب آخه این نمونه برداری لابد درد میاره .	فیل سگ خر
نه بابا درد چیه ؟ مثه آمپول میمونه تابیای حالیت بشه کار تمومه چون تو ، حالا حتما باید از دماغ من نمونه برداری کنین ؟ بله البته چرا ؟ ببخشین ها . یه نمونه ش مال انگشت نگاریست آقا . (خر زیر پای فیل می نشیند و خرطوم او را می برد) یکی هم برای سوء سابقه است واسه تعیین هویت دو نمونه لازمه . واسه تحقیق در علم الادیان سه نمونه لازمست انقدم بدین به من . ممکنه به روز بدردم بخوره . انقدم به بنده التفات کنین . اوه قابل نداره (اما دیگر از خرطوم چیزی باقی نیست تا به شتر بدهد) هیچی تا بالاخره ، فیل بدبخت یه چیز دیگه شد یه چیز تازه ... یه حیوون عجیب که رو کله ش دو تا شاخ سبز شده بود .	سگ خر فیل سگ فیل سگ روباه اسب شتر فیل گوینده

دیگه از خرطوم و عاجش اثری باقی نبود

شده بود مثل یه گاو .

اما راستش چی بگم ...

گاو گاوم که نبود

یه چیزی بود هشلهف ... یه چیز بی سروته

خلاصه هرچی که بود فیل نبود

(خارج می شود)

(مردم شهر هم یکی یکی خارج می شوند . فیل هم به دنبال آنها بیرون می

رود . خر تنها می ماند . ماسک خود را برمی دارد و بطرف میمون که از طناب پانین می آید

پیش می رود . قیافه اش رنجیده و غمگین است . قلم و کاغذی به دست میمون

می دهد تا برایش نامه ای بنویسد . میمون مشغول نوشتن می شود)

(که چندی به فکر فرو رفته است به خود می آید)

آره داشتیم چی می گفتیم ...؟...؟... بنویس :

مارو دیوونه و رسوا کردی ... حالیه؟

مارو آواره ی صحرا کردی ... حالیه؟

آخه مام واسه خودمون معقول آدمی بودیم

دستکم هرچی که بود آدم بی غمی بودیم ... حالیه؟

سر و سامون داشتیم

کس و کاری داشتیم

ای دیگه ... یادش بخیر !

ننه مون جورابامونو وصله می زد .

مارو نفرین می کرد .

(باتیسم)

بابامون خدایبامرز

سرمون داد می کشید

بهمون فحش می داد

(می خندد)

با کمربند زمون اجباریش پامونو محکم می بست

ترکه های آلبالو رو کف پامون می شکست حالیه؟

(آه می کشد)

یاد اون روزا بخیر

چون بازم هرچی که بود

سروسامونی بود ... حالیه؟

ننه ای بود که نفرین بکنه

بعد نصف شب پاشه لحاف رو آدم بکشه

که میادا پسرش خدانکرده بچاد

که میادا نورچشمش سینه پهلو بکنه ... حالیه؟

(مکت با لبخندی محزون)

باباتی بود که گاه و بیگاه

سرمون داد بزنه

باهامون دعوا کنه

پامونو فلک کنه .

بعد صبح زود پاشه مارو تو خواب بغل کنه

اشکهای شب قیلو که روی صورتمون ماسیده بود ،
کم کمک بادستهایی زبر خودش پاک بکنه ... حالیه؟
(مکث . آه می کشد)
میدونی .
بابامون چند سال پیش
عمرشو داد به شما .
هرچی خاکه اونو عمر تو باشه ،
مرد زحمتکشی بود ...
خدا رحمتش کنه .
ننه هم کور و زمین گیر شده
ای دیگه ... پیر شده
بیچاره ... غصه ی ما پیرش کرد
غم رسوایی ما کور و زمین گیرش کرد ... حالیه؟
اما راستش چی بگم ،
تقصیر ماکه نبود
هرچی بود زیر سر چشم تو بود
یه کاره تو راه ماسیز شدی
مارو عاشق کردی
مارو مجنون کردی
مارو داغون کردی ... حالیه؟
آخه آدم چی بگه ، قربونتم ،
حالا از ما که گذشت
بعد از این اگر شبی ، نصفه شبی ،
به کسونی مته ما قلندر و مست و خراب
توکوچه بر خوردی
اون چشارو هم بذار
یا اقلا دیگه این ریختی بهش نیگا نکن .
آخه من قربون هیکت برم
اگه هر نیگا بخواد اینجوری آتیش بزنه
پس باهاس تموم دنیا تا حالا سوخته باشه !
(نامه ی خود را که میمون برایش نوشته است از او می گیرد . گوینده ناگهان
وارد می شود و او با شتاب نامه را در پشت سر پنهان می کند و ماسک خر را
به سر می گذارد)
(وارد می شود) بچه ها سلام ...
... سلام ... سلام
حال شما چطوره ؟
با درس و مشق چطورین ؟
هنوز چولی حاله ؟
حاله ... حاله ...
حال مامان ، حال بابا چطوره ؟
مامان می گه قبولم .
بابام می گه محاله .
بهم میگن درس بخون .

گوینده
دیگران
گوینده

دیگران
گوینده
سگ
خرس
میمون

خر
 گوینده
 سگ
 شتر
 روباه
 میمون
 خر
 دیگران
 گوینده
 سگ
 خر
 میمون
 خرس
 سگ
 گوینده
 دیگران
 گوینده
 نکتی بشی دوساله .
 خوب بچه ها ، کی اسم این شهر قشنگ یادش هست ؟
 آقا ما بگیم ؟
 خانم ما بگیم ؟
 نون و پنیر و پسته .
 قصه ...
 ... قصه ... قصه ...
 درسته ؟ ... درسته ؟
 معلومه که درسته .
 جایزه تون ...
 یه یخچال ؟
 یه قوری ؟
 رادیوی برق و باطری ؟
 یه رختخواب نشکن ؟
 ساعت ضدضربه ؟
 نج ... نج ... نج ... یه قصه .
 یه قصه ی درسته .
 نه دست و پاشکسته .
 درسته . درسته .
 آره بچه ها ،
 اون قدیما ،
 تو شهر ما ،
 یعنی تو شهر قصه ،
 يك خاله سوسکه ای بود .
 لپاش مته تریچه .
 دهن نگو ... یه غنچه .
 چش چي بگم یه بادوم .
 که عین شب سیا بود .
 خلاصه خیلی ماه بود .
 مردم شهر که خوب بودن ،
 آروم و مهربون بودن ،
 ساده و بی ریا بودن ،
 بیغش و با صفا بودن ،
 تمومشون ... پیر و جوان ،
 يك دل نه صد دل عاشقش بودن . (مکث)
 سوسك سیاه خوشگل ،
 یه روز صبح ،
 پیرهنشو تنش کرد .
 پیرهن سرخ گل دار .
 چادرشو سرش کرد .
 شلیته پوشیده با شلوار .
 اتل و متل و آلوچه .
 پاشو گذاشت تو کوچه .

با صد تا عور و اطوار اومد میون بازار ... (گوینده خارج می شود - خاله سوسکه وارد می شود) سلام علیکم آبی خانوم . بفرمائید .	خرس
حال شما چطوره ؟ سلام و درد پدرم . خاک به گورم ... خاک به سرم . چه حرفا ؟	خاله
چلاق بشی ایشاله ! نزاکت خوب چیزیه نه واله !	خرس
آبی خانوم ببخشید اگر جسارتي شد . بنده فقط عرض ادب نمودم . خوب آخه خرس گنده ، آبی خانوم نشد اسم !	خاله
پس چی بگم سیا چشم ؟ چه پر رو !	خرس
سفییدرو ... سیه مو ؟ سفیید بخت ... سیه دل ! یه اسم خوب و خوشگل . یه اسم بگو که اسم باشه . جادو کنه طلسم باشه . به رنگ گندم بیاد . به چشم بادومیم بیاد . بهار بشه نسیم بیاد . نگونگو دلم رفت ! این دل غافلم رفت !	خرس
نیگام بکن چه ماهم . با چشمای سیاهم . دهن دارم یه غنچه ! ابرو دارم کمونچه ! قدم ببین بلنده ! گیسم ببین کمنده ! تو که منو شیدا کردی . خوبه منو پیدا کردی . تو که منو رسوا کردی . قفل دلم واکردی .	خاله
	دیگران
	خاله
	دیگران
	خاله
	دیگران
	خرس
	دیگران
	خرس

میمون	اتل مثل خلیفه .
خرس	کیسه خوبی با لیفه ؟
خاله	چطوره بگم ضعیفه؟
خرس	چش نخوري الهي .
خرس	با اینهمه سلیقه !
خاله	پس چي بگم فدایت !
خرس	فدای خاک پایت .
خرس	میتونی بگي عزیزم .
خاله	عزیزم .
خرس	امیدم
خرس	امیدم
خاله	قشنگم ... ملوسم .
خرس	ملوسم ... قشنگم .
	امیدم ... عزیزم
	بیا دورت بگردم .
	به قریونت بگردم .
دیگران	ملوسم .
خرس	بذار لبتو ببوسم .
دیگران	بلورم .
خرس	بذار سرتو بچورم .
	عروسم ... قشنگم .
	عروس شوخ و شنگم .
	تو مال من می شی ؟
خاله	استغفراله !
خرس	عیال من می شی ؟
دیگران	اوه ... اوه ...
خاله	... واه ... واه !
خرس	می دونی چیه ؟
خرس	عزیزم !
خاله	می دونی چیه ؟
خرس	امیدم !
خاله	من زن هرکس نمی شم .
خرس	هرکس و ناکس نمی شم .
میمون	ملوسم ... قشنگم .
میمون	اتل مثل بی جنجال .
خاله	چن گیر می خوای یا رمال ؟
خاله	نه جن گیر و نه رمال .
دیگران	نه اون خوبی نه ایشون ،
خاله	لعنت به هر دوتاشون .
خاله	نه جونم ، نه عمرم .
	من زن رمال نمی شم .
	کاری که رمال می کنه
	صبح تا غروب فال می گیره .

داد مي کنه ، قال مي کنه . هي سرکتاب واز مي کنه . ورد مي خونه بو مي کشه . چن مي گيره ، هو مي کشه بعد قال حافظ مي گيره . تاتصف شب حال مي کنه . بس که مزخرف مي بافه . آدمو بي حال ميکنه .	سگ شتر خاله ميمون
هرچي ستاره رو هواست ، اژش اطاعت مي کنن . رئيس جن ها زیر خاک چاکرشه ، مخلصشه . واي از او موقعي که ، يه جني رو گير بياره . هي جار و جنجال مي کنه . ورد مي خونه ... فوت مي کنه قال مي کنه ... سوت مي کشه . دور خودش با نوک يك چاقوي تيز ، روي زمين خط مي کشه . چن زبون بسته رو بي حال مي کنه . زیر زمين چال مي کنه طلسم و جادو بلده . ديم د د ک دو بلده . کفترو بي بال مي کنه . ديمبل و ديمبال مي کنه . اون شب ورد عجيبی ميخونه غيب مي شه . تزدیک صبح بکدفعه ظاهر مي شه . از دهنش بو مياد . بوي عجيبی که آدم گيج مي شه . زیر لب آواز مي خونه . ماهور و شهناز مي خونه . راه مي ره و قر مي ده . هي همچين همچين مي کنه هي همچي همچي مي کنه . (همه با اين آهنگ مي رقصند) هوا که روشن مي شه . چشماش رو هم ميافته . يواش يواش شل مي شه . روي زمين ول مي شه نه جونم . نه عمرم . منو بکشي بالا بري پانين بري ، من زن رمال نمي شم . اتل و متل مطلا .	خر شتر ميمون خاله روپاه ميمون خر ميمون خاله ميمون خاله ميمون خاله ميمون خاله ميمون خاله ميمون خاله ميمون ميمون

رمال می خوای یا ملا ؟	
البته ملا ملا .	شتر
سلام علیکم سوسک سیا .	روباه
حال شما ؟	
سلامتین ایشاله ؟	
کسالتی ندارین ؟	
والده تون چطورند ؟	
رفع سلامتی شد ؟	
واه واه واه چه پررو !	خاله
بیره اون زیونت !	
قربون اون لیونت !	روباه
ابروهای کمونت !	
خودت بگو آمل .	خاله
سوسک سیام می شه اسم ؟	
تربیتی ، نزاکتی ، خجالتم خوب چیزیه ،	
نه واله ! .	
پس چی بگم ؟ خاله قزی ؟	روباه
لال بشی ایشاله !	خاله
تنبون قرمزی ؟	روباه
کوربشی ایشاله !	خاله
تو که منو رسوا کردی .	روباه
رسوا علی الله کردی	
اتل مثل منینه .	میمون
رقیه یا سکینه ؟	
مال سبکتکینه .	دیگران
سلیمه یا حلیمه ؟	میمون
مال ابو عبیده .	دیگران
چطوره بگم زبیده ؟	روباه
ماشالله !	خاله
پس چی بگم ؟	روباه
می تونی بگی عزیزم .	خاله
عزیزم	روباه
امیدم ...	خاله
امیدم .	روباه
قشنگم ... ملوسم .	خاله
ملوسم ... قشنگم .	روباه
امیدم ... عزیزم .	
قربانتم الهی .	
کی تو رو قشنگت کرده ؟	
مست و ملنگت کرده ؟	
آتیش به جونت بگیره ولم کن !	خاله
کی تورو ملوست کرده ؟	روباه
کی تو رو عروست کرده ؟	

خاله خوره به زیونت بگیره ولم کن !
 روباه جان دلم ، آخه چرا همچین می کنی ؟
 هی منو غمگین می کنی ؟
 دردمو سنگین می کنی ؟
 فرار نکن عزیزم !
 فرار نکن مامانم !
 عروسم ، قشنگم .
 تومال من می شی ؟
 استغفراله !
 خاله عیال من می شی ؟
 روباه اوه اوه ...
 دیگران واه ... واه !
 خاله می دونی چیه ؟
 عزیزم .
 روباه می دونی چیه ؟
 خاله مامانم
 روباه من زن هر کس نمی شم .
 خاله هرکس و ناکس نمی شم .
 امیدم ...! عزیزم !
 میمون اتل مثل بی جنجال .
 روباه می خوای یا رمال ؟
 خاله نه روباه نه رمال .
 دیگران نه اون خوبه نه ایشون .
 لعنت به هر دوتاشون !
 خاله نه چونم نه عمرم .
 من زن ملا نمی شم .
 روباه چرا نمی شی ؟
 خاله والله نمی شم بالله نمی شم .
 کاری که ملا می کنه .
 لای درو وا می کنه .
 نیگا به بیرون می کنه .
 نیگا به اینجا ، به اونجا ،
 به اینور ، به اونور ،
 به پانین ، به بالا می کنه .
 میمون عیاشو دولا می کنه .
 کنار باغچه می داره .
 سگ کشک و بادمجون میاره .
 خر هی می شینه کوفت می کنه .
 نه یک تعارف می کنه
 نه یک بفرما می زنه .
 خاله بعد پا می شه میاد بیرون
 با همسایه ... با صابخونه ،
 با خربوزه ... با هندونه ،

شروع به دعوا مي كنه . محشر كبرا مي كنه .	شتر
آجان مي ياد ... پليس مي ياد . سرباز با تفنگ مي ياد .	ميمون شتر
تفنگ با فشنگ مي ياد . بيل مي ياد كلنگ مي ياد .	ميمون شتر
شتر مي ياد پلنگ مي ياد . مي گيرنش مي برنش كلان تري . به جرم فحاشي و ابرو بري . وقتي كه افسر مي رسه ، سوال جواب شروع مي شه ، از بيخ بيخ عرب مي شه ، فرياد و غوغا مي كنه . همه چي رو حاشا مي كنه . نه جونم ... نه عمرم . منو بكشي ... بالا بري ، پانين بياي من زن ملانمي شم . (گريه به هينت درويشان وارد مي شود)	خرس سگ
هو حق چاكرم من . درويش ذاکرم من . با خرقة ي قلندري . با كشكول سلندري . وا ه ... وا ه ... وا ه زهرمو آب كرد با ريشش . قريون خدا با درويشش ! سلام عليكم چادر زري . تنبون قرمزي . غنچه دهن . گل پيرهن . گيس گلابتون . ابرو كمون . سوسك سيابي قد بلند . دامن کوتاه . گردن هما . اين شليته . جان شما . ميدوني چيه چشم بادومي ؟ اسم بدنومي ! اتل مثل تناهي . خودت سوسك سياهي . بقريونت الهي ! شليته م ميني ژويه .	خر خاله گره خاله گره خاله گره خاله

گرچه	چه خوبه ! برم قربون يك همچي شلیته . نه بالاست نه پانین . نه ترشي است ... نه لیته . حالا از اون گذشته ، آدریش ، با اون خرقه و كشكول ، با اون ریش ، با اون كله ي بیموت ، با اون یا حق و یا هوت ، با اون دنیک و سازت ، با اون ریش درازت . نیگام کن گتایه .	میمون خاله
سگ		
میمون		
خاله		
گرچه		
خاله	(گریه رو بر می گرداند) سفیدی صورتم چون قرص ماهه . دو زولفونم مثال شب سیایه . دو دندونم طلایه . دوتا عاشق دارم یکیش تو رایه . شلیته م که کوتایه . دوتا یاری دارم یکیش سیایه . خونه م میدون شایه . دوچشم نرگست کار کجایه؟ یا شیراز ، یا کرمون . یا تبریز ، یا زنجون . یا خلخال ، یا تهرون . گمونم کار خراطای رشته . گمونم کار مرتاضای هنده . گمونم کار نقاشای چینه . میگم کار زری بافای یزده . ببینم کار ملاهای قم نیست ؟ یا شاید کار عطرای کاشون ؟ یا کار باغبونهای فسایه؟ نه جونم این دوتاچشمی که اینجاست ، یا کار لاله کارون بیابون ، یا آه مستای میخونه هایه . نه جونم ، نه عمرم ، دوچشم نرگسم کار خدایه . دوتا نومزد دارم یکیش گدایه . سه چارتا خواستگار دارم ماشاالله ! یکیش خیلی بلایه . الان در شهر زیبا کدخدایه .	میمون سگ میمون خر خرس سگ بز رویاه سگ طوطی میمون خاله دیگران خاله

سر درویش عاشق بی کلایه . یکیش رفته زیارت ، حالا در کربلایه .	میمون خاله
یکیش یم شاعر چاق و شهیره . زن شاعر نشو شاعر فقیره . یکیش نقاش مشهور و هنرمند ، خوراک نقاشا نون و پنیره .	میمون خاله میمون خاله
یکیش ملای بی لا . که خیلی با خدایه ؟ از اون مرده خورایه . یکیش رمال بی مال ، که خیلی بی حیایه .	روباه خرس خاله خرس
خداوندا ، خدایا ، چقدر این خاله سوسکه بی وفایه ! یکیش یک آدم رند و زرنگه . زن جن گیر نشو بی احتیاطی است ، همیشه چند تا از جنانش تو رایه .	خاله میمون خاله
یکیش آدم رند و زرنگه . که از بس ناقلایه ، هم الان حاکم شهر فرنگه . همون حاکم که دارای تفنگه ؟ تفنگاش پر فشنگه ؟ فشنگای دویست تن ؟ فشنگای دویست میلیون مگاتون ؟ فشنگای عمو سام ؟	میمون خر
برای پایتی های ویتنام ؟ همون حاکم که اخلاقت سلیمه ؟ همون حاکم که حالاتش حلیمه ؟ که از اقوام شیطان رجیمه ؟ زن حاکم نشو حاکم حکیمه . زیسکی مهربونه ، در اموال همه سهیمه .	خرس سگ روباه میمون
یکیش چنگیز خانه . که از آدم خورایه . همش در فکر چنگه . یکیش تیمور لنگه . چفنگه ! یکیش خاقان چینه که مردی نازنینه .	خاله میمون خاله سگ خاله
حسابش با همه دنیا سوایه . فرستاده پی ام با ساز و آواز . لایب همراه ده میلیارد سرباز ! یکیش آقا محمد خان قاجار .	میمون خاله

دیگران	کند هم جنس با هم جنس پرواز ! (موش بالایی پله ها ظاهر می شود)
خاله	مادر زینت خانوم گیس داره قد کمون از کمون بلند ترک از شبیق مشکي ترک پسوناش انار و به خیمه زده کنار ده به کس کساتم نمی ده . به همه کساتم نمی ده . براه دورم نمی ده . به مرد کورم نمی ده . به کی می ده ؟
میمون	به کسی می ده که کس باشه . قبای تنش اطلس باشه .
خرس	به مرد رمال نمی ده ؟ نه که نمی ده .
خاله	به شیخ و ملا نمی ده ؟
روپاه	نه که نمی ده .
خاله	به مرد عطار نمی ده ؟
سگ	نه که نمی ده .
خاله	به مرد خراط نمی ده ؟
خر	نه که نمی ده .
میمون	ای بابا ... وقتی یارو دخترشو - حتی به ملا نمی ده به ، خر بده !! (موش با حالتی عاشقانه به خاله سوسکه نزدیک می شود)
موش	به من می ده ؟
خاله	سرکار عالی کی باشن ؟ ...
موش	... عاشقم . عاشق بی دلم من .
خاله	دلت کجاست ؟
موش	... فنا شد . فناي اون چشا شد .
خاله	کدوم چشم ؟
موش	همون چشم که خوابو برده .
خاله	کدوم خواب ؟
موش	خوابی که ازم فرار کرد .
خاله	کجا رفت ؟
موش	تو باغچه .
خاله	باغچه کجاست ؟
موش	تو باغه .
خاله	کدوم باغ ؟
موش	باغی که تو شهر رویاست .

خاله	رؤیا کجاست ؟
موش	تو خوابه .
خاله	کدوم خواب ؟
موش	همون خواب که از چشم رفت .
خاله	کدوم چشم ؟
موش	همون چشم که غرق آب شد .
خاله	کدوم آب ؟
موش	همون آب که سیل آورده .
خاله	کدوم سیل ؟
موش	همون سیل که اشک آورده .
خاله	کدوم اشک ؟
موش	همون اشک که از چشم ریخت .
خاله	کدوم چشم ؟
موش	همون چشم که غرق خونه .
خاله	کدوم خون ؟
موش	همون خون که از دل اومد .
خاله	کدوم دل ؟
موش	دلی که اسیر زلفه .
خاله	کدوم زلف ؟
موش	زلفی که چو شب سیاهه .
خاله	کدوم شب ؟
موش	همون شب که تو چشاته .
خاله	کدوم چشم ؟
موش	همون چشم که مسته مسته .
خرس	نگو که دلم شکسته .
	(بغضش می ترکد)
موش	همون چشم که پر شرابه .
خرس	نگو که دلم کیابه .
موش	چشی که همیشه امیده .
خاله	امید کجاست ؟
موش	برآیه .
	(به آهنگ روضه خوانی .)
روپاه	نگو که حالم خرابه .
	گریه کنین ... مسلمونون ...
	گریه کنین ... ثوابه .
خر	قربون گریه ت برم .
روپاه	همون شب اول قبر که موقع جوابه
	هم روز محشر که حساب کتابه
	ثواب این گریه بی حسابه .
میمون	بابا برو فکر نون باش .
	گریه ی ملا آیه !
روپاه	آخ ... باجی اون بچه رو ساکت بکن .
شتر	نگو که دلم کیابه .

روپاه	گریه کنین ... مسلمانون .
میمون	گریه کنین ... ثوابه .
خاله	خاتوم خوشگله ، تو دیگه چته ...
میمون	... چیزیم نیست .
خاله	پس دیگه این اشکا چیه ؟
میمون	... ملا می گه ثوابه .
	ولش کن ،
	ملا حالش خرابه !
روپاه	دهن داره یه غنچه .
خرس	قربون اون دهن برم که غنچه ست !
روپاه	ابرو داره کمونچه .
خرس	لپاش مئه تریچه .
موش	عزیزم ... امیدم
	گریه نکن ... سفیدایات پاک می شه .
	چشای زیبای تو نمناک می شه .
	بیا بریم ... بیا بریم .
	(موش دست خاله سوسکه را می گیرد و خارج می شوند .
	اهالی شهر
	هم یکی یکی خارج می شوند .)
میمون	(آواز می خواند)
	میروی و مژگانست فتنه ها می انگیزد .
	می روی و می ریزی خون خلق و میدانی .
	خدا منو قربونت کنه ایشا اله قربون چشمنت کنه ایشا اله
	کجا می ری فلونی ترسم بری و بمونی
	دین و دل به یک دیدن ، باختیم و خرسندیم .
	د رقمار عشق ای دل کی بود پشیمانی
	خدا منو قربونت کنه ایشا اله قربون چشمنت کنه ایشا اله
	کجا می ری فلونی ترسم بری و بمونی
	زاهدی به میخانه سرخ رو زمی دیدم .
	گفتمش مبارک باد بر تو این مسلمانی
	خدا منو قربونت کنه ایشا اله قربون چشمنت کنه ایشا اله
	کجا می ری فلونی ترسم بری و بمونی
	زلف و کاکل اورا تا بیاد میارم می نهم پریشانی برسر پریشانی
	خدا منو قربونت کنه ایشا اله قربون چشمنت کنه ایشا اله
	کجا می ری فلونی ترسم بری و بمونی
	(میمون از طناب خود بالا می رود صحنه تاریک می شود)

پرده دوم

(مردم شهر قصه هریک سرگرم کار خود هستند. صدای ابزار آنها با ریتم $\frac{6}{8}$ در زمینه ادامه دارد. گوینده از ضلع راست صحنه - بالای پله ها - ظاهر می شود و حین صحبت پانین می آید و وارد صحنه می شود)

گوینده	بچه ها ... سلام علیکم حال و احوال چطوره ؟ همه تون خوب و خوش و سلومنتین ؟ درسهارو می خونین ؟
خرس سگ	چی خانوم ؟ ... شما چه حرفا می زنین . ما از اون صبح سحر تا بوق سگ خیلی همت بکنیم ، بتونیم دوتا کلوم انگلیسی یاد بگیریم .
گوینده خر	انگلیسی ؟ ... واسه چی ؟ ای بابا ... معلومه خوب . آخه نا سلومنتی مام باهاس نون بخوریم .
گوینده	(گوینده با تعجب سرش را می خارد) من درست نفهمیدم ... ببخشین ها . مگه نون تو شهر ما قحطی شده که شما درستونو ول بکنین صبح تا شب اینهمه زحمت بکشین که به جای نون سنگک ... مثلا نون تست انگلیسی بخورین ؟
میمون	نه خانوم ... حواس سرکار کجاست ؟ نون جوم از سر ما زیادیه !
سگ	آره قریون ، می دونین ! ما داریم صبح تا غروب این در و اون در می زنیم

گوینده	... بفرمائید
خرس	خوب اندازه ابعاد بدن :
	سینه ... ؟
گوینده	... صد .
خرس	... دور کمر ... ؟
گوینده	... پنج و سه چارم ...
خرس	... باسن ؟
گوینده	سیصد و شصت ...
خرس	زیاد است !
روباه	بابا اون با من !!
	(خرس و روباه درگوشی باهم مشورت می کنند)
خرس	راستی همشیره
	حضرت علیه
	انگلیسی بلدین ؟
گوینده	نه آقا ...
خرس	... نج ... نج ... نج .
	خیلی بد شد ...
گوینده	... د ... چرا ؟ ...
خرس	خوب ، آخه مخالف قانونه
روباه	دختری که انگلیسی ندونه سکرتره
گوینده	خوب پس مرحمت شما زیاد .
	(بر می گردد)
خرس	حیف شد ! . کلفت مطبوعی بود .
	(آهی کشید . به جای خود مینشیند . گوینده به میمون سر تکان می دهد)
گوینده	مثه اینکه ... ظاهراً حق با شماست .
	(میمون سری تکان می دهد و از طناب بالا می رود)
	بگذریم .
	بچه های خوب من
	حالا کم کم بریم سراغ کار خودمون .
	براتون گفته بودم .
	که در ایام قدیم ،
	میون جنگل سبز ، لای درختای قشنگ ،
	شهر باصفایی بود .
	دور تا دورش گل سرخ ،
	روبروش کوه بلند ،
	با چمن های وسیع ،
	که پر از شاپرک .
	اسم این شهر قشنگ ،
	شهر قصه بود ...
بچه ها	... یادتون نره .
گوینده	آره بچه های من .
	توی شهر قصه هم ،
	مثه هر جای دیگه ،

هرکسی به کاری داشت .
 خره خراطی می کرد .
 اسبیه عطاری می کرد .
 بزه بزازی می کرد .
 سبکه عطاری می کرد .
 دارکوب نجاری می کرد .
 شتر نمذ مالی می کرد .
 ولی از وقتیکه ،
 چیزهایی از قبیل کینگ
 دیگه کم کمک می افتاد از مد ،
 دیگه حتی چوپونام ،
 چای اون کلا نمذی ، شاپو می داشتن سرشون ،
 شتر از ناچاری ،
 برای مردم شهر قصه نقلی می کرد .
 جغد نقاشی می کرد .
 غم تنهانی شو ،
 چای تابلو قاب می کرد .
 طوطیه شعر می گفت ،
 تو مجله چاپ می کرد .
 خرسه رمالی می کرد .
 روباه ملا شده بود ،
 بچه ها رو درس می داد .
 قاطر نعلبندی می کرد .
 مورچه هم رون ملخ را بر می داشت ،
 از وسط نصف می کرد .
 نصفشو می داشت تو یک طرف قشنگ ،
 واسه حضرت سلیمون می برد .
 نصفه ی دومشم شخص خودش نیش می کشید .
 یعنی تا موقع شام به کمی ته بندی می کرد .
 (د تمام طول گویندگی همه حیوانات جز میمون سخت از روی کتاب دارند
 انگلیسی می آموزند . روباه و خرس درجهت عکس یکدیگر در امتداد صحنه
 راه می روند و لغت از بر می کنند. روباه در این لحظه به گوینده نزدیک می
 شود و حرف او را قطع می کنند)
 اکسیوزمی ... یعنی معذرت می خوام .
 (به تماشاگر) با اجازه ...
 (به روباه)
 ... چیه قریون چی شده ؟
 پول خرد اگر دارین
 دو قران با سه قران
 تحت عنوان قرض الحسنه
 تا شب جمعه به من لطف کنین .
 (بحالت زده و دستپاچه)
 واله ... بی رو درواسی

روباه
گوینده

روباه

گوینده

جیب ما پاکتر از ریش شماست (کیف خود را می گشاید و به او نشان می دهد) دریغ از یک پایاسی ریلی؟ ... ایمیپاسییل! (جلو می آید به روباه) آخه مای دیر... یوسی؟ نون چارکی سه عباسی آدم مفلس را چون من	روباه میمون
شب که می رم توی خونه قافا می خواد نونش می دم می گه تا کی سر بکنم اکبری به به می کنسه می خوره و اه اه می کنه چادر نماز کرباسی؟	بیز
روغن سیري چار عباسی آدم مفلس را چون من پنیر سیري سه عباسی وا می داره به رقاصی	میمون
فاطمی میون گهواره ماد ریچه ها می ره می بینه فاطمی مشغول گشنتشه عرعر می زنه گهواره را سر می زنه سر سیري است و دسی دسی	بیز
شیر چارکی چار عباسی بچه رو توی گهواره شکر سیري سه عباسی وا می داره به رقاصی	میمون
خوبه که بنده هم برم یا بروم تو سینما اگر که اکتوری نشد چرا خجالت بکشم مدتی دکتری کنم هر شبه اکتوری کنم مشق رژیسوری کنم یا بکنم رو درواسی؟	خر
یونجه سیري سه عباسی آدم مفلس را چو من جو چارکی چار عباسی وا می داره به رقاصی	میمون
کبریت یکی یک عباسی قند سیري سه عباسی هیزم منی پنج عباسی جارو یکی دو عباسی روغن سیري چار عباسی کالک منی شش عباسی	گوینده
مؤمن پیر وسواسی آدم لا تو راس راسی بگذریم . قورباغه قواصی می کرد . میمونه رقاصی می کرد . (خاله سوسکه با سبدي که پر از میوه است از خرید باز می گردد . مقابل دکان عطاری می ایستد . سگ مدتی به او خیره می شود و بالاخره جنس مورد نیاز را می پیچد و با حواس پرتی به دستش می دهد .)	میمون گوینده

خاله سوسکه که دیگه معلومه ، این وسط نازی می کرد ، دل مردم می برد ، باهاشون یه قل دو قل بازی می کرد . (سر بر می گرداند و به گوینده چشم غره می رود) آره تا چشم حسود بترکه ! (می خندد) دیگه کی مونده ؟ ... بله . روی یک درخت بید ، شونه به سر نشسته بود ، سرشو شونه می کرد . ماره آبیستن بود ، هوس پونه می کرد . سرچارسوق یه پلنگ مغازه کبابی داشت . گوشت های تازه و شیک می آورد ، همه رو با پرمنگنات می شست . زیر ناخونهایشو با یه مسواک بزرگ ، کاملاً ضد عفونی می کرد . آتش منقلشو تیز می کرد . چشاشو ریز می کرد . با نگاه مهربونی به صف مشتری ها خیره می شد . می نگریست ! خیره می شد ! می نگریست ! خیلی خوب می نگریست . بله . هیچی ، گوشتها رو آنچنان کباب می کرد ، که دل هر وجتارین از اون آب می شد آقا نوبت منه . آقا نوبت منه . آقا نوبت منه . بعد وقتی که کباب . کاملاً حاضر و آماده می شد ، همشو خودش می خورد . (صدای خرناس پلنگ و همهمه و کتک خوردن سگ) موشه طفلکی فقط کاری نداشت ، آخه عاشق شده بود . تو مارو دیوونه کردی خونه مو ویروونه کردی تو مارو آواره کردی تو مارو بیچاره کردی من از اون چشما می ترسم . من از اون لبها می ترسم .	خاله گوینده روپاه گوینده روپاه گوینده روپاه گوینده روپاه گوینده روپاه خر سگ گوینده موش
--	--

از اون دو تا چشم سیاه می ترسم .
 می ترسم ، می ترسم ، می ترسم ،
 آبی به خدا می ترسم .
 هی اون چشمارو توو بده .
 هی خودتو تلو بده .
 اوطو اوطو اوطو اوطو اوطو اوطو
 اوطو بده .
 هی دلمو الو بده ،
 با چشات ، با چشات ، با چشات .
 با چشات ، با چشات ، با چشات .
 با چشات .
 خونه مو خراب کردی .
 خونه ت خراب ای دل .
 چشمو پر آب کردی .
 چشت پر آب ای دل .
 دل ای دل ای دل ای دل ای دل ای دل ای دل
 دلمو کیاب کردی ،
 دلت کیاب ای دل .
 دل ای دل ای دل ای دل .
 دل ای دل ای دل ای دل .
 تو مارو دیوونه کردی
 خونه مو ویروونه کردی
 تو مارو آواره کردی
 تومار و بیچاره کردی
 دل ای دل ای دل ای دل
 دل ای دل ای دل ای دل
 دل ای دل ای دل ای دل
 دل ای دل ای دل ای دل
 (خارج می شود)

گوینده

آره بچه های من .
 یادتون هست هفت هشت سال پیش از این .
 به روزی تنگ غروب
 فیل اومد به شهر ما ، ... یعنی کجا ؟
 یعنی شهر قصه ها .
 مردم شهر همه مشغول کارشون بودن .
 فیل اومد تموشا کنه ،
 افتاد و دندونش شکست .
 همه ی مردم شهر ،
 دور فیل جمع شدن .
 اما افسوس ... در این شهر قشنگ ،
 نه کلینیکی بود ،
 نه دواخونه نه بیمارستان .
 تا برن دندون فیل و سر جاش کار بذارن .
 مردم شهر که خیلی خیلی خوب بودن .
 ساده و مهربون بودن .
 دلشون خیلی سوخت .
 اون یکی دندون فیلم کنندن ،
 کار گذاشتن رو سرش .

بعد خرطومش از بیخ بریدن... به حساب خواستن فیله رو خوشگلش کنن. (گوینده خارج می شود) خیلی از لطف شما ممنونم . می دونم . بنده از این همه لطف راستی راستی خجالت می کشم . اصلا حرفشو نزن . این چیزا تو شهر ما معمولیه . شهر ما به شهر ایده آلیه . آره ... خیلی عالییه . مردمش مردمدار . همه خوب و مهربون . چشمشون در انتظار مهمون ! همه پاک و بی ریا ، همه در صلح و صفا . ما تو این شهر قشنگ به دونه ملا نداریم . دزد و جیب بر نداریم . شاغر پفیوز و جلمبور نداریم . رمال مفت خور نداریم . حاجی نزول خور نداریم . خوب داداش دیگه کاری نداري؟ دیگه چیزی نمی خوي؟ خیر قربان شما . نکنه به وقت تعارف بکني؟ نه به جان سرکار . گل ختمی ... گل کاسنی ... پرزوفا ... شیرخشت ؟ بیبچم ؟ نمی خوام ... میل ندارم . ما بریم بلکی به کاری بکنیم . دو قرون گیر بیاریم . خوب ، موفق باشین . مام بریم دنبال کار خودمون . راستی گوش کن چي می گم ، اگه عشقت می کشید ، به سري به ما بزن . می دوني آدرس چاکرت کجاست . بله قربان ... می دونم . یادتم رفت داداش عیب نداره . اینجا از هرکي پرسني کي خره؟ بت میگه خر خودتي ! (خنده دسته جمعی)	فیل خر فیل خر طوطی فیل میمون شتر بز خر میمون طوطی روباه خر بز فیل سگ فیل سگ فیل شتر فیل خر فیل میمون
--	--

- خر
 خیلی بیجا می‌کونه!
 ایشونم خیلی غلط کرده بخواد خر باشه!
 (به فیل)
 آقا باس ببخشین ها.
 بهتون برنخوره.
 (به دیگران)
 توی این شهر فقط یک خر هست،
 که اونم چاکرته!
 (به فیل)
 گوش کردی داشم؟
 آگه یه وقت هوس کردی که با این دوتا شاخ
 چپقی... قلیونی،
 قاب عکسی... چیزی درست کنی،
 صاف می‌یای پیش خودم.
 چون تو شاخهای نابی داری.
 آقا این عاجه...
 ... آره معلومه.
 ما که گفتیم شاخ خوبی داری.
 جنسش از عاجه.
 عاجشم ای بد نیست.
 خوب فقط قدری کج است.
 چطوره بدیم به خراط که صافش بکنه؟
 می‌خواهین روش گل و بتنه بندازم
 یا باهاش دسته چپق درس کنم؟
 آقا معذرت می‌خوام... اگر جسارت نباشه،
 بنده می‌خواستم از شما تمنا بکنم
 که اگر موفقین
 بذارین این دوتا شاخ همین جور کج بمونه.
 بابا ای واله، تو هم خیلی الاغی به خدا!
 (می‌رود)
 خوب، پس جنابعالی فیلین؟
 بله قربان فیلم.
 خیلی هم،
 از ملاقات شما خوشوقتم.
 این یارو چرند میگه.
 مثلا می‌خواد به ما برگ بزنه.
 یکی نیست بهش بگه
 بعد چل سال گدایی ما دیگه
 شب جمعه یادمون هست داداش!
 نه آقا جان شما
 بنده فیلم بع خدا.
 من همون بدبختم
 که شماها خودتون
- فیل
 خر
 روباه
 سگ
 خر
 فیل
 خر
 خرس
 فیل
 خر
 فیل

دوره جمع شدین
 خیل بزحمت کشیدین
 منو خجالت دادین
 دندونامو کنڊین
 کار گذاشتین رو سرم
 بعدشم خرطوممو
 که به اون قشنگی بود
 مته کالباس بریدین ... اگه نه
 من بدبخت همون فیلم ، فیل !
 (مهممه و خنده دیگران)
 که شما فیل هستین ؟
 خوب آقا ،
 ممکنه بفرمائین .
 مدرکی ، قباله ای .
 سند مستندی همراهتونه ،
 که به ما نشون بده جنابعالی فیلین ؟
 نه جونم .
 من بدبخت بی دندون اومدم
 دیدن پسر عمویم .
 به حساب
 اومدم مهمونی .
 خوب آدم وقتی میره مهمونی
 سند و شناسنامه نمی خواد .
 دیدن پسر عمو قباله لازم نداره .
 نه برادر چی می گی ؟
 راس راستی دلت خوشه ؟
 توی این دور و زمونه هر جا ... هر گوشه ای
 اگه آب یخ بخوای کوفت کنی ،
 باهاس اول سند و معافی و عکس و سچل نشون بدي !
 (مهممه و خنده - روباه با موتو رسیکلت وارد می شود)
 آقاییون برن کنار .
 آقاییون برن کنار
 (به فیل)
 خوب برادر حالا تعریف بکن .
 چی شده ؟ عیال سرکار کجاست ؟
 کی می خوای
 صیغه ی طلاقو جاری بکنم ؟
 چی ؟ طلاق ؟
 بله خوب ، معلومست .
 من دراین کار تخصص دارم .
 بخصوص طلاق سرکار که جای خود دارد .
 یک چنان صیغه ی پرسوز و گدازی بخونم ،
 که همینجا بشینی

خرس

فیل

میمون

روباه

فیل

روباه

هاي هاي گريه كني .
 خرس اوه نگو ، بنده همين الساعه
 داره گريه م مي گيره .
 روباه باجي جان گريه نكن .
 (به فيل)
 خوب حالا بفرمانين
 چه مدل طلاق لازم دارين ؟
 فيل چي چي فرمودين ... ؟
 روباه ... هيچي جانم .
 چرا دستپاچه شدي ؟
 خوب آخه طلاق چندين مدل است .
 مي خوايين طلاق رجعي بدهيد .
 يا طلاق خلعي ؟
 نوع اول يه كممي خرج دارد .
 ولي البته دوامش خوب است .
 جنسشمر مرغوب است .
 واسه ي سركار استثنائاً
 پانزده درصد تخفيف مي ديم ...
 فيل ... دست شما درد نكنه .
 روباه نوع دوم كه طلاق خلعي است ،
 خيلي خاصيت دارد .
 سگ واسه رودل خوبه ؟
 روباه بي سواد احمق !
 تو رو مي گن عطار ؟
 بگذريم .
 نوع سوم كه خودش شش مدل است .
 خيلي خوب و خوشگل است .
 فيل آخه من ...
 روباه ... گوش بده حرف نزن .
 آخ آقا
 از طلاق نوع سوم چي بگم ؟
 نوع سوم ديگه محشر مي كنه .
 خر قريان نوع سومش .
 روباه نوع سوم سه طلاقه است آقا
 كه ديگه
 بي محلل نمي شه كاري كرد .
 خرس آخ نگو
 چگرم مي سوزد !
 سگ نوع سوم خوبست !
 خر نوع سوم عاليست !!
 روباه آقاچون ،
 توي اين شهر قشنگ ،
 بهتر از بنده محلل ديگه پيدا نمي شه .

خرس
 گوش کن چی بهت میگم .
 شما هر ثانیه ، هر دقیقه یک محلل خبره بخوای
 یه خبر به من بده
 دیگه کاریت نباشه .
 روباه
 برو گمشو بی سواد
 خرس محلل نمی شه !
 فیل
 آقا جون
 بنده اصلا نه عیالی دارم
 که بخوام طلاق بدم ،
 نه اصولا اگه زن داشته باشم طلاق می دم ،
 که بخوام براش محلل بگیرم !
 روباه
 عجباً ... عجباً !
 حیرتا ... حیرتا !
 (آهسته تر با فیل)
 خود من محلل شبانه روزی هستم
 با جواز رسمی شماره هشتصد و بیست .
 همه جور سفارشات ،
 در تمام ساعات ،
 همه در اسرع وقت ،
 طبق آخرین متد ، توسط خبره ترین محللها قبول می شه .
 خر
 راس می گه جون شما .
 خود بنده یه عیالی داشتم .
 مته یه دسته گل .
 که همین آقا واسم عقدش کرد .
 بعدشم انقده زیر پام نشست ،
 تا طلاقش دادم .
 دو سه روز بعد اومد واسطه شد ،
 که من و عیالمو آشتی بده .
 انقده گفت که ما خام شدیم .
 این اقام فی المجلس
 صیغه ی عقدمونو جاری کرد .
 من بدبخت دوباره شوهر زنم شدم .
 سرتو درد نیارم ،
 تا حالا سی دفعه ایشون واسه من
 زنمو عقد کرده ،
 دوباره طلاق داده !
 روباه
 اوه بله ، یادم هست .
 بنده یک دوره ی استاز می دیدم .
 یه کسی لازم بود ،
 تا خود من عملا مباحث علمی را
 روش تمرین بکنم .
 فکر کردم که تو این دور و زموئه چه کسی
 ممکنه زن بگیره ؟

دیدم از خر بهتر شوهر پیدا نمی شه .
 یعنی خوب . وقتی آدم خر نباشه
 دیگه شوهر نمی شه .
 چطو شد نفهمیدم !
 خر
 پس یعنی می فرمائین
 بنده و زخم برای سرکار
 شده ایم لایر اتوار ؟ !
 (به روباه حمله می کند)
 بگیرم همچی بگویم تو مخش ... !
 (دستپاچه) نه آقا ببخشینش ، ولش کنین !
 فیل
 خرس
 صلوات بفرستین .
 لا اله الا الله !
 خر
 (شترکه پرده قلمکار مجلس شیرین و فرهاد را از دکان خود آورده ، آنرا به
 دیوار می آویزد و شروع به تقالی می کند .)
 دیوار می آویزد و شروع به تقالی می کند .
 شتر
 خوب ، حالا گوشاتونو واز کنین .
 هرکسی مریض داره ،
 هرکسی قرض داره ،
 هرکسی یه گرهی تو کارشه ،
 هرکسی دلش می خواد
 قبر چدم را زیارت بکنه ،
 یه دقه ساکت و آروم بشینه
 دل بده ، گوش کنه .
 خر
 ای بابا ، دل کجا بود ؟
 ما دیگه دل نداریم ،
 میمون
 که به سرکار بدیم .
 خرس
 از همون روزی که ،
 خاله سوسکه با مینی ژوپ خودش ،
 پاتو این شهر گذاشت ،
 دیگه يك دل توي این دیار پیدا نمی شه .
 شتر
 (به کار خود ادامه می دهد)
 اینکه اینجا می بینی شیرینه .
 داره توي چشمه بازی می کنه .
 خرس
 آخ چه نازی می کنه !
 آب تنی کردن شیرین چقدر شیرینه !
 روباه
 اون که اونور می بینی فرهاده ،
 شتر
 که دلش خونینه .
 عشق فرهاد به شیرین آقا ، خیلی نقل داره .
 میمون
 (به عنوان شاگرد مرشد به میدان می آید)
 خوب آمرشد ، حالا تعریف بکن ،
 اون کیه اونجا نشسته روی اسب ،
 مته آرتیستهای فیلم ،
 داره از بالای کوه
 قاچاقی دختره رو دید می زنه ؟

- شتر
اونکه اونجا یه وری ،
یله داده روی اسب ،
داره شیرینو تماشا می کنه ؟
- میمون
آره مرشد خودشه ... همون جوون رعنا ،
که داره خیار چنبر می خوره .
- شتر
بچه مرشد ... چی می گی ؟ ... خیار چنبر کجا بود ؟
- میمون
پس آمرشد تو بگو ،
اون چیه یارو داره گاز می زنه ؟
- شتر
اسم اون چیزی که این شخص گذاشته رو لبش ...
چیقه ؟
- خر
... نی لیکه ؟ ...
- میمون
... نه جون من ، انگشته .
- شتر
بابا ول کن مرشد ،
مگه انگشت آدم خوراکیه ،
که یارو عین بلال ،
داره گازش می زنه ؟
- ای بابا ،
- شتر
بچه مرشد ندیدم انقده کودن باشه .
اونکه اون جوون زیبا به لبش برده آقا ... انگشته .
- میمون
د ... آمرشد ، مگه دیوونه شده ؟
آخه انگشت مال کار دیگه ست .
نه برای خوردن .
- شتر
آقا جون برات حکایت بکنم .
این جوون رعنا ،
با چنبر خال سیاه ،
با چنبر ابروی پیوسته و بازوی کلفت ،
داره انگشت به دندون می گزه .
بچه مرشد . تو بگو ،
اون چه انگشتیه که آدم به دندون می گزه ؟
- میمون
خوب جناب مرشد ،
این دیگه معلومه ،
اون انگشت حیرته .
- شتر
شیر مادرت حالت باشه .
این که این شخص به دندون می گزه ،
انگشت حیرته .
- میمون
بچه مرشد ، بگو حیرت از چی ؟
حیرت از چی مرشد ؟
- شتر
حیرت از خوشگلی این دختر ،
که به این شیرینی است .
حرکاتش شیرین .
سکاناتش شیرین .
لب لعلش شیرین .
سخنانش شیرین .

اسم اون جوون رعنا ... خسرو ،
 اسم این دختر زیبا شیرین .
 آخ چقدر شیرینه !
 عین يك دسته گل نسرینه !
 (با روباه مشورت می کند - اما نگاهش را زپردها بر نمی دارد)
 چطورره منم برم لخت بشم ،
 به هوای آب تنی برم جلو ،
 با ندیمه ش سر حرف و وا کنم .
 بعد بیرسم خانومش میل داره صیغه بشه ؟
 آخ خدایا برسان !
 آگه شد بساطمون رنگینه !
 چي می گی احمق جان ؟
 مگه از جان خودت سیر شدی ؟
 میادا بری جلو !
 خسرو از بالای کوه می بینه !
 (ترسیده)
 نه بابا ؟ ...
 ... جان شما .
 خیلی هم غیرتیه .
 (از ترس نفسش بند آمده)
 از سببیلش پیداست !
 مشتشم سنگینه .
 (شتر به کار خود ادامه می دهد)
 نیگا کن بازو چیه ؟ پولاده .
 نیگا کن چشم چیه ؟ شاهینه .
 تموشا کن توی مشتش چي چیه ؟
 خنجر زرینه .
 ترك اسپش چي چیه ؟ ...
 ... شمشیره ! زوبینه !
 (درحالیکه شکم خود را گرفته است با عجله دور می شود)
 بعد خدمت می رسم ..
 ... کجا می ری ؟ ...
 کابینه !!
 (روباه رندانه می خندد)
 اونکه اونور می بینی فرهاده .
 اونکه از فرق سرش تا نوك پاش خونینه ؟
 فهمیدم خیلی حواست جمعه .
 آره چونم ، خودشه .
 اون بارو فرهاده .
 عاشق شیرینه .
 خوب ، بفرما مرشد ،
 کی با اون تیشه به فرقش کوبیده ... ؟
 ... دست خودش .

روباه
 خرس

روباه

خرس

روباه

خرس

روباه

شتر

میمون

شتر

میمون

خرس

روباه

خرس

شتر

میمون

شتر

میمون

شتر

میمون
 چي مي گي جناب مرشد ؟ آخه دست ،
 با رفيق آدم فرق داره .
 رفقا معمولا ،
 خنجر از پشت به آدم مي زنن .
 دست آدم كه ديگه دشمن آدم نمي شه .
 شتر
 اي بابا .
 دل و چشم و دست ما دشمن مان .
 اگه نه خنجر دوست ،
 كه تو تاريخي به پشتت مي شينه ،
 سنتي ديرينه .
 (با آواز)
 ميمون
 هيچ خنجر ديگه پيدا نمي شه ،
 كه شبي پشت رفيقي رو سوراخ نكرد .
 هيچ پشتي ديگه نيست ،
 كه تو كتفش اثر زخم به خنجر نباشه .
 شتر
 اي ديگه ... عاقبت آدم عاشق اينه .
 حالا من ،
 يه دونه مرد جوونمرد مي خوام ،
 كه از اون گوشه ي اين معرکه دست بالا كنه ،
 بنده رو صدا كنه ،
 دست سخاوت توي جيب پهلو دستيش بكنه .
 هرچي به چنگش مي رسه ،
 از يه تومن تا صد تومن ،
 بيشتر شد نمي خوام مال خودت ،
 به نذر اين فقير اولاد شتر
 بندازه اينجا و چراغ اولو روشن كنه .
 (جمعيت به سرعت پراكنده مي شوند فيل سكه اي از جيب بيرون مي آورد و
 بطرف شتر مي اندازد شتر نمي تواند باور كند و بعد فيل تمام پولهاي خود را
 به طرف شتر مي اندازد)
 خيلي محظوظ شدم ...
 فيل
 شتر
 ... د ... د ... د ... دست شما درد نكنه .
 (ناگهان سكوت مطلق حكم فرما مي شود جمعيت با حيرت بسيار بر مي گردند
 و با دهان باز و نگاههاي كنجكاو به اين صحنه مي نگرند)
 برو اي جوان كه صد مقابلش
 جدم خودش بهت عوض بده .
 (پول را بالا نگاه مي دارد و به همه نشان مي دهد)
 آقا اين جيفه ي دنياست ... چه ارزش داره ؟
 اينجا جز بار گناه و معصيت چيزي نيست .
 با اين فقط مي شه آتيش دوزخ رو خريد .
 به خدا با اين پول فقط مي شه ،
 نيش مار غاشيه ،
 روز صد هزار سال ،
 گرزهاي آتشي ... عذاب دوزخ رو خريد ،

<p>آقایون هرچی از این جیفه ی دنیا تو جیبهای شماست، بریزین دور... ! به جون خودتون رحم کنین ! به خدا قسم که جد اشترم ، یک در این دنیا صد در آخرت بهتون عوض می ده شماها نمی دونین آتیش دوزخ یعنی چی ؟ روز صد هزار سال ، گرزهای آتشین (فیل ناگهان از تصور عذابهای وحشتناک دوزخ به گریه می افتد و با شتاب همه ی جیبهایش را جستجو می کند و تمام پولهایش را جلوپایش به زمین می ریزد. جمعیت با چشمهای از حدقه درآمده و نگاههای وحشیانه آرام آرام نزدیک می شوند. شتر بدبخت وضعی دارد بدتر از آنها . انگار که دچار برق زدگی شده است .)</p>	<p>فیل</p>
<p>آقا از شما تشکر می کنیم ، که منو از این همه شکنجه و بدبختی ، این همه عذابها ، گرزهای آتشی ، نیش مار غاشیه ، روز صد هزار سال، بکدفعه راحت کردین نجات دادین . من در این دنیا فقط یک دونه دندونم شکست، چه عذابی کشیدم ... فقط خدا می دونه ! حالا فکرش را بکن ، که تو اون دنیا بخوان بازم شکنجه ام بکنن. آخ خدایا ... دیگه بسه ... ! دیگه طاقت ندارم ! (به خود می آید)</p>	<p>شتر</p>
<p>برو ای جوون ... خدا پشت و پناهت باشه . مطمئن باش که جد اشترم ، اشتر اشترها ، روز محشر سند و قباله و چک می یاره ، اگه مجکوم شدی فی الفور ضامنتم می شه. خیلی از لطف شما و جدتون ممنونم . اما باور بکنین که هیچ راضی نمی شم، که شما و جدتون اینقدر زحمت بکشین . (بی حوصله)</p>	<p>فیل</p>
<p>برو جونم ... برو فکرشم نکن . (با شرمندگی) آخه بنده ... (عصبانی)</p>	<p>شتر</p>
<p>... د برو ! اوه بله البته . خوب دیگه ... مرحمت شما زیاد. لطفتون پاینده</p>	<p>فیل</p>
<p></p>	<p>شتر</p>

(فیل تعظیم کنان خارج می شود . چند لحظه سکوت . جمعیت با قدمهای سنگین و تهدید آمیز به حلقه گرد شتر و پولها را تنگ تر می کنند . شتر ناگهان خود را بر روی پولها می اندازد و می کوشد هرچه بیشتر ممکن باشد از آنها به چنگ بیاورد . دیگران نیز بلافاصله بر روی او می ریزند . جنگ مغلوبه می شود بعد از چند لحظه یک نفر به زحمت خود را از زیر دست و پای دیگران بیرون می کشد و درحالی که غنیمت خود را توی جیبهایش می تپاند با عجله دور می شود . و بعد نفر دیگر ... و دیگر ... سرانجام شتر را میبینیم که بیهوش و زخمی و خون آلود روی زمین افتاده و حتی لباس به تن ندارد)

پرده سوم

(صحنه تاریک می شود . میمون در تاریکی بدون ماسک با فانوس وارد می شود و درحین خواندن آواز چیزهایی به سر درحجره های مردم شهر می آویزد .)

میمون

(با آواز) نه دیگه این واسه ما دل نمی شه
هرچی من بهش نصیحت می کنم .
که بابا آدم عاقل آخه عاشق نمی شه .
می گه یا اسم آدم دل نمی شه .
یا اگر شد دیگه عاقل نمی شه .
بهش می گم چون دلم ،
این همه دل توی دنیااست ، چرا
یه کدوم مثل دل خراب صاب مرده ی من ،
پای زنه های خوشگل نمی شه؟
چرا از این همه دل ،
یه کدوم مثل تو دیوونه ی زنجیری نیست؟
یه کدوم صبح تا غروب ،
تو کوجه ول نمی شه ؟
می گه یک دل مگه از پولاده ،
که تو این دوره زمونه چشاشو هم بذاره ،
هیچ چیزی نمی بینه ،
یا اگر چیزی دید ،

خم به ابروش نیاره ؟
 می گم آخه بابا جون ،
 اون دل پولادی ،
 دست کم دنبال کیف خودشه .
 دیگه از اشک چشش ،
 زیر پاش گل نمی شه .

(میمون ناگهان فانوس خود را بالا می آورد و مقابل صورت گوینده که در گوشه ای پنهان شده است می گیرد. صحنه روشن می شود. گوینده که غافلگیر شده با ناراحتی چهره خود را می پوشاند و میمون نیز ماسک خود را بر سر می گذارد. حالا که صحنه روشن شده می توانیم آنچه را که میمون در تریکی بر سر در حیره ها می کوید ببینیم : عدد سیزده . میمون به آواز خود ادامه می دهد.)

می گه هر سکه می شه قلب باشه .
 اما هرچی قلب شد دل نمی شه .
 نه دیگه این واسه ما دل نمی شه .
 (طوطی شاعر روی سکو می رود و شروع به خواندن شعر می کند.)
 نظری به بوستان
 (مکث می کند و نظری به اطراف می افکند. سگ خود را می خارد.)
 نظری به بوستان.
 (مکث . تکرار می کند.)

طوطی

نظری به بوستان .
 نظری به بوستان.

میمون

(به شتر نگاه می کند و شانه بالا می اندازد)
 (دلخور) خوب بله فرمودین .
 (رنجیده و عصبانی)
 بی سوادید آقا !
 بی سوادید آقا !
 بی سوادید عزیزم ... به خدا !
 به خدا که بی سوادید، آقا .
 (با خودش زمزمه می کند و در دفترش یادداشت می کند)
 خوب پیدا کردم .

خر

طوطی

آقا با خدا می شه قافیه بازو کا ...
 که خود بازو کا ،
 یعنی البته آگه درست شلیک بشه ،
 بالومومبا و غنا و هیئت دوستی آمریکا ،
 همشون رو هم می شن قافیه آفریقا .
 (سر بلند می کند)
 نظری به بوستان ...

میمون

طوطی

(مکث - دوباره تکرار می کند)
 بنده می خواستم امروز در این جشن بزرگ ...
 (با تعجب به اطراف می نگرند)
 کو؟ ... چه جشنی ؟
 ... بله معذرت می خوام .

خر

طوطی

<p>(خر چند لحظه درسکوت او را برانداز می کند . از زدن او منصرف می شود به طرف دکان خود برمی گردد. طوطی نفس راحتی می کشد و در کنار شتر می نشیند و غرغر را شروع می کند .)</p> <p>من احمق رو بگو !</p> <p>واسه چه جور کسانی می شینم شعر می گم !</p> <p>عوض قدرشناسی به آدم زرشک تعارف می کنن!</p> <p>راستی راستی که خرم ... ! خیلی خرم !</p> <p>(خر با سرعت پیش می رود)</p> <p>چطور شد ؟</p> <p>کی بود می گفت خرم من ؟ !</p> <p>(به یکایک اشخاص رجوع می کند و آن شخص به نفر بعدی اشاره می کند .)</p> <p>شما بودین ... ؟</p> <p>... نه ایشون.</p> <p>شما بودین ... ؟</p> <p>... نه ایشون .</p> <p>شما بودین ؟</p> <p>... نه ایشون .</p> <p>شما بودین ... ؟</p> <p>... نه ایشون .</p> <p>شما بودین ... ؟</p> <p>... نه ایشون .</p> <p>شما بودین ... ؟</p> <p>... نه ایشون .</p> <p>شما بودین ... ؟</p> <p>... نه ایشون .</p> <p>شما بودین ... ؟</p> <p>... نه ایشون .</p> <p>(به طوطی) شما بودید ؟</p> <p>(طوطی به اطراف می نگرد و چون کسی را نمی بیند که متهم کند ناچا رسکوت می کند.)</p> <p>(به طوطی) پس این طور ؟</p> <p>خوب دیگه شاعرم من .</p> <p>(با عصبانیت به طرف طوطی حمله می کند و می خواهد او را بزند)</p> <p>تو شاعری یا !</p> <p>(خود را به میان آنها می اندازد)</p> <p>... ! وایسا !</p> <p>خودم درستش می کنم ...</p> <p>(غرغرکنان دور می شود)</p> <p>... بفرما !</p> <p>(میمون به سرعت از حضاریک دادگاه بریاست خودش تشکیل می دهد. روباه دفتری در جلو می گذارد و وظیفه منشی را به عهده می گیرد.)</p> <p>(با چکش روی دیوار می کوبد)</p> <p>تق ... تق ... تق ... تق تق تق .</p> <p>توجه ... توجه !</p> <p>اتل مثل تسمیه .</p> <p>جلسه دیگه رسمیه .</p> <p>هیئت منصفه کجاست ؟ ...</p>	<p>طوطی</p> <p>خر</p> <p>اسب</p> <p>خر</p> <p>میمون</p> <p>خر</p> <p>خرس</p> <p>خر</p> <p>سگ</p> <p>خر</p> <p>شتر</p> <p>خر</p> <p>روباه</p> <p>خر</p> <p>خر</p> <p>طوطی</p> <p>خر</p> <p>میمون</p> <p>خر</p> <p>میمون</p>
--	--

روپاه ... اون طرف .
 میمون شکای کیه ؟ ...
 روپاه ... متهم .
 میمون متهم ؟
 روپاه متهم هم شکایه .
 میمون (میمون سر در نمی آورد . کله اش را می خارد)
 روپاه خوب حالامتهم کیه ؟ ...
 میمون ... شکای کیه ؟ ...
 میمون (سرفه ای می کند)
 خر خیلی خوب شکای متهم کیه ؟
 روپاه ... بنده ام
 روپاه بیا جلو ... (یادداشت می کند)
 خر ... بنده شرمنده ام .
 روپاه قسم بخور ...
 خر ... میل ندارم .
 روپاه قسم بخور ...
 خر ... صرف شده چون شما .
 روپاه می گم بخور ... !
 خر ... چون خودم نمی شه .
 جاتون پیش پاتون
 جاتون خالی ... یونجه سیری خوردم .
 روپاه (روپاه اظهارات او را یادداشت می کند)
 خر اسمتو بگو ...
 روپاه ... کوچک شما خرم من .
 خر شغل شما ؟ ...
 روپاه من ... بله ... خراطم من .
 میمون اون خر خراطه که می گن شما بید ؟
 خر معلومه ...
 ... خراطم من .
 تو خراطی چون شوما
 میون خرا سرم من .
 میمون (اشاره به طوطی)
 شما از اون آقا شکایت دارین ؟
 خر چه جورم !
 میمون از کار خراطی رضایت دارین ؟
 خر (خر ماسکش را برمی دارد و لبه ی سقاخانه تکیه می کند .)
 نه قربون .
 این روز روز هر چیز ی فابریک شده .
 از چیق و کوزه و قلیون بگیر ،
 تاچوب سیگار همش پلاستیک شده .
 هر جا می ری پلاسکو .
 هر جا می ری ملامین .
 ای آقا ...

دکون خراطي ديگه تخته شده.
 پس تو چرا به خراطي چسبيدي؟
 چرا نمي ري دنبال يه کار خوب؟
 يه شغل نون و آب دار؟
 تو هم برو جنس پلاستيک بساز .
 خوب آخه من خراطي را دوست دارم.
 خيلي خري ... !
 ... معلومه.
 (ماسکش را برسر مي گذارد)
 خري که خراط نياشه قاطره !
 كافيه .
 بفرماييد ...
 (خر مي رود)
 ... متهم ؟
 (طوطي جلو مي رود)
 بنده ام .
 اسم شما ... ؟
 طوطيه .
 طوطيه چي ؟
 طوطيه شکرکن .
 (روباه يادداشت مي کند)
 اتهام؟
 جعل نام .
 راست ميگه اون اسم منو زدیده.
 (با چکش روي ميز مي کوبد)
 تق تق تق تق تق !
 کار شما ... ؟
 ... عاشقي .
 شغل شما ... ؟
 ... شاعري .
 تو شاعر ي يا طوطي؟
 شاعرم من .
 شاعر طوطي نمي شه .
 خوب ديگه پس خرم من .
 هر شاعر خر نمي شه .
 هر خري شاعر نمي شه .
 به هر کتابي برسه ،
 شعر اشواژ بر نمي شه .
 تاسر فرصت بشينه .
 همشو رونويس کنه ،
 بعد تو ديوانه خودش ،
 به خط و امضاي خودش ،
 اونارو پاکنويس کنه .

ميمون

خر

ميمون

خر

ميمون

طوطي

روياه

طوطي

روياه

طوطي

ميمون

روياه

خر

ميمون

روياه

طوطي

روياه

طوطي

ميمون

طوطي

ميمون

طوطي

ميمون

اسب

خرس

شاعره خوب قلندر ه.	بز
خر که قلندر نمی شه.	خر
فکرش باهاس روشن باشه.	میمون
خرکه منور نمی شه.	خر
شاعر باید عمیق باشه.	طوطی
خرکه مقعر نمی شه.	خر
(از جایگاه شهود)	خاله
شاعر باهاس عطر یزنه.	
خر که معطر نمی شه.	خر
شاعر باهاس شیک باشه.	روباه
لیاس فاخر بیوشه.	
باهیج لباس فاخری،	خر
خرکه مغز نمی شه.	
شاعر باید پاک باشه.	اسب
خرکه مطهر نمی شه.	خر
قدش باهاس دراز باشه.	شتر
خر که صنوبر نمی شه.	خر
صورت خوب داشته باشه.	خرس
خر که مصور نمی شه.	خر
شاعر خوب زن می گیره.	خاله
خرکه مکرر نمی شه!	خر
حالا آقایون شما بگین .	
شما قضاوت نکنین.	
بنده خرم یا ایشان؟	
متهم.	میمون
طوطی شکر شکن.	
ساکن شهر قصه .	
شغلش ... (به روباه) چی بود؟	
... شاعری .	روباه
کارش ... (به روباه) چی بود؟	میمون
عاشقی.	روباه
اتهام ...	میمون
... جعل نام .	روباه
(آهسته به روباه)	میمون
ایشو دیگه یادم بود !	
(با صدای بلند)	
برای آخرین دفاع حاضره؟	
البته.	طوطی
بفرمایین ...	میمون
... ما گوشیم.	روباه
اتل مثل سکینه .	طوطی
طوطی شکر شکن ،	
اسم من غمینه.	

شاعر شیرین سخن. بنده کمترینم.	
(طوطی پس از چند جمله دچار بیماری شور قافیه می شود و دیگر نمی تواند چلو خودش را بگیرد)	
شاعر ماهر من. تو شاعر تکم من . رفیق لك لكم من. دشمن اردکم من. صاحب قلکم من . یمن و مبارکم من . ضارب دنبکم من . دیم دددم لك د کم من . کشنده ککم من . کفترتو لکم من . انار کالکم من . درویش و اهل حالم . عاشق حالکم من . دشمن پول و مالم . عاشق پولکم من . عاشق مالکم من . ساکن قلهمک من . بسه دیگه ... ! ... دکم من . بسه دیگه ... ! ... فکم من ... بکم من ... ککم من . شور قافیه طوطی را درخلسه فرو می برد) (می جهد و دهان او را می گیرد) سرم رفت ... سرم رفت ... ! (شور قافیه همه را گیج و منگ کرده است)	میمون طوطی
(تلو تلو می خورد) آخ سرکم منگ شده . منگک و گیجکم من . (گیج گیج می خورد) من عرقک نخوردم . پس چرا مستکم من ؟ رملک و اسطرلابکم چطوشد ؟ خرسک رمالم من . رمال رمالکم من . هینتک منصفه . من سرکم گیج می ره . بالا و پانینک می شم . ملای شهرکم من . منشی دادگاهک من .	خرس طوطی خرس روباه طوطی میمون طوطی همه طوطی میمون خرس اسب خرس روباه

صاحب عینکم من.	
من چرا همچینک می شم ...	خر
... بیگی منو .	دیگران
منک چرا مستک و لولک می شم ؟	خر
بیگی منو .	دیگران
(دهان طوطی را رها می کند)	میمون
اتک متک توتولک .	
دیدي چي کار کردي منو؟	
انداختيمون به اک اک !!	
(نفسش بند آمده و دارد از حال می رود- با این حال هنوز زیرلب ادامه می دهد)	طوطی
اکم من	
فکم من ...	
(بیهوش می شود و به زمین می افتد دیگران او را بیرون می برند)	
(خردگوشی با خرس پچ پچ می کند و سپس به طرف فیل پیش می آید .	
خرس نیز به سرعت در گوشه ای برای خودش دستگاہ میرزانی دایر می کند)	
(عاشقانه دست به شاخهای عاجی او می کشد)	خر
خوب ... که گفتي اینا چفتش عاجه .	
عاجشم ای ... بد نیست.	خرس
خوب داداش ... نقد بدم پونزه زار؟	خر
ای آقا ...	فیل
شونزده زار؟	خر
نه جونم.	فیل
... هیوده زار؟	خر
آقا ... شوخي می کنين ...	فیل
هیژده زار .	خر
ای آقا .	سگ
کي می یاد هیژده زار.	
بده دو تاشاخ مضحك بخره؟	
(زیر گوش فیل زمزمه می کند)	
من خودم تا دوتومن مشتریشم.	
خوب بدم نوزده زار؟	خر
(با وحشت شاخهای خود را می چسبد)	فیل
خبر ... قریون شما .	
شاخ من فروشي نیست.	
(با گردن کلفتی)	خر
چی چی رو فروشي نیست؟!	
من دارم این همه پول بالاش می دم ... کلي خسارت می کشم، که با این شاخهای بی قواره و مضحك تو ، به دونه چیق درست کنم،	
که به خوابم ندیدی !	
خوب آقا ... تقصیر چاکر چی چیه؟	فیل
(با فریاد و هوجی بازی)	خر
آقايون !	

همه شاهد باشین !
این یاره داره به من فحش می ده !
وایسا من برم یک کاغذ بیارم .
استشار جمع کنم .
(دستپاچه)
آقا جون ... قربونتیم .
آخه من چیزی نگفتم به شما .
بابا ای والله ... داداش !
عجبا ... ! عجبا !
من می گم دارم خسارت می کشم ،
روزی پنج هزار تومن ،
بالای این دوتا شاخ ضرر می دم ،
تازه سرکار جلو روی همه .
می گی تقصیر نداری ،
ای بابا ... روتو برم !
اگه من دروغ می گم ، این دوتا شاخ
روی کله ی شما چه کار داره ؟
کاملاً صحیح می فرمانین
مدرک مستندی است .
آخه قربان ... بادتون نیست مگه ؟
این دوتا دندون من بود ...
... زرشک !
(به سگ)
باز طرف می خواد به ما برگ بزنه .
مارو هالو گیر آورده چون تو !
راست می گه چون شما .
(به دیگران)
این یاره خیلی خره !
(عصبانی) چی چی شد؟ ... نفهمیدم ؟
کی خره ؟
(سچل خود را نشان می دهد)
بنده که فاتونا ،
طبق این مدارک رسمی خرم ،
هم معافی دارم ،
هم سچل دارم ... هم گواهی خراطی ،
یا جناب آقا
که نه اسمی داره ،
نه کسی می دونه او اهل کجاست ،
نه اصولاً تو تموم دنیا
یک نفر هست بیاد به ما بگه ،
این بابا با این سر و شکل مهیب
توی دنیا چی می خواد؟ ... کارش چیه ؟
خودشم نمی دونه .

روباه

فیل

خر

روباه

خر

روباه

فیل

خر

سگ

خر

خرس

<p>می گوی نه؟ نیگا بکن. (به فیل) آقا چون ممکنه توضیح بدین که شما پرنده این؟ ... خزنده این؟ گوشت خوارین؟ ... سبیین؟ ... درنده این؟ (سکوت) خوب عمو، جواب مار اندادی . والله قربان چی بگم؟ روزگاری من مادر مرده فیل بودم. نه رو کله ام شاخی بود ، نه دماغم آنقدره کوچک و مضحک شده بود. اما فعلاً ... چی بگم ؟ راستی راستی خودمم نمی دونم . (میمون وارد می شود)</p>	<p>روباه</p> <p>خرس فیل</p>
<p>ای بابا اینکه نشد ! آخه تو از کدوم خراب شده را تو کشیدی اومدی توی این شهر قشنگ ، میون یه مشیت مردوم دغل همه ختم روزگار ، همه با هوش و زرنگ؟! ببینم ... نکنه از زیر بته اومدی ؟ نه آقا ،</p>	<p>میمون</p> <p>فیل</p>
<p>بنده پیش از اونکه اون روز غروب ، خدمت حضرت عالی برسم ، میون جنگل سبز ، لب یک چشمه ی زیبا و خنک ، برای خودم یه جایی داشتم . احترامی داشتم . هرچی بود بالاخره فیل سرفرازی بودم . نه سرم پیش کسی خم می شد ، نه کسی بود که مسخره ام کنه . یا ازم سچل بخواد . یا بخواد از عاجم دسته چبق درست کنه . نه دیگه اگر کسی ، اسمم می پرسید ، سندی قباله ای لازم بود ، تا که ثابت بکنم ، بنده اسمم فیله . عجبا ... حیرتا ! خوب حالا قباله ای ، مدرکی ،</p>	<p>روباه</p>

	سند مستندي همرا تونه که به ما صحت این قصه رو ثابت بکنه؟ (آه می کشد) ای آقا ... قباله ای لازم نیست. من خودم ، دیگه کم کم داره این قصه فراموشم می شه. خودمم یواش یواش ، داره باورم می شه، که از اون اول خلقت اصلا، یه کسی به نام قیل توی دنیا نبوده ،	قیل
	محتمل هست جنابعالی ، یک چنین جانوری را یکشب توی خواب دیده باشید. بعدشم کمی خیالاتی شدي زد به کله ت که بیای به شهر ما خودتو به جای اون جا بزنی. نمی دونم ... شاید.	روباه خرس
	مطمئن هستید یا مشکوکید؟ والله .. راستش .. چی بگم؟ کسی که اسم خودش یادش نیست، کسی که دندونش از روی سرش بیرون بیاد، چی می خواین یادش باشه؟ پس شما به جرم خود معترفید؟ (بی خیال) بله قربان ... (ناگهان متوجه می شود) ج ... ج ... جرم؟ (زبانش بند می یادخر و خرس زیرگوشی با هم پیچ می کند) (بازوی او را می کشد و او را به کناری می برد- زیرگوشی با او حرف می زند) بیا اینجا بابا جون ... گوشنتو واز بکن ... ببین دارم چی بت می گم. دیگه کارت زاره ! از سه ماه تا هشت ماه رو شاخته. (با تعجب به شاخهای خود دست می کشد) آه خدایا چه کنم؟ دیگه بیچاره شدم ! تازه این که چیزی نیست. شوما وارد نیستین. ما که حبسی کشیدیم می دونیم. سابقه ات خراب می شه. عکستم تو روزنومه چاپ می کنن.	قیل قیل روباه قیل خر خر

حالا من چکار کنم؟	
هیچ دیگه راهی نداری .	خر
راه فراری نداری .	
ام چرا ... یه راهی هست.	
بفرمانین ... بفرمانین	فیل
پاشو برو ثبت احوال	خر
هم فاله هم تموشا.	
سجل بگیر، یه اسم خوشگل بگیر.	
آخه چه جوری؟ ...	فیل
(او را درحین صحبت به طرف خرس که پشت میز کوتاه رمالی نشسته و عینکی به چشم گذارده است می برد)	خر
پامیشی میری اداره .	
پیاده یا سواره .	
درمیزنی تق تق تق	
(سکوت)	
میری تو اتاق.	
انقده منتظر می شی	
تازیر پات علف درآد.	
بعد یارو یواش یواش	
کله شو بالا میاره	
بهت می گه ...	
... بفرمانین؟	خرس
(جا می خورد)	فیل
من چی بگم؟	
بگو که سجل ندارم.	خر
بنده سجل ندارم	فیل
بمن چه؟	خرس
یارو می گه به من چه؟	فیل
بگو که می شه بگیرم؟	خر
بتو چه؟	خرس
(عقب عقب می رود)	فیل
ایشون می گن به توچه؟	
بگو بابا لازمش دارم.	خر
(با ترس و لرز)	فیل
قربان لازمش دارم.	
(خر آهسته کنار می رود)	
چیکار کنم؟	
به تو چه ؟	خرس
آخه می دونین سجل عکس دار می خوام.	فیل
به من چه؟	خرس
میدونی چیه؟ ...	فیل
... بتو چه؟	خرس
سجلو واسه کار میخوام.	فیل

به من چه؟	خرس
شیش ساله من کار ندارم.	فیل
به من چه؟	خرس
میدونی که بی پولی چیه؟	فیل
بتو چه؟	خرس
سی ساله من پول ندارم.	فیل
به من چه؟	خرس
(مکث)	
حالا ببینم این کار ما،	
هیچ جور ی حل نمی شه؟	فیل
بتو چه؟	خرس
آخه بی سبب نمی شه!	فیل
بمن چه؟	خرس
آقای عزیز ... قربونتم	فیل
صدقه پلاگردونتم	
... گوش می کنی؟	
بتو چه؟	خرس
نوکرتم ... چاکرتم	فیل
تو یک کلام فقط بگو	
یه آدم فلک زده	
یه بخت برگشته ای که سبب بخواد	
بایس چه کاری بکنه؟	
راس راسی تکلیفش چیه؟	
(خرس به تقلید کارمند مربوطه سرش را می خارده و فکر می کند)	
والله آقا ... کار شما	خرس
اینجوری ها حل نمی شه	
اینجور چیزا تمیر می خواد	
مهر می خواد ... امضا می خواد	
کاغذ می خواد ... مداد می خواد	
قلم می خواد ... دوات می خواد	
آخوند می خواد ... ملا می خواد	
سفارش از بالا می خواد	
تعارف و سلام می خواد	
آدم خوش کلام می خواد	
پول می خواد ... مقام می خواد ...	
(مکث)	
تمیر پیش نچسبانه .	
مهرموم خرابه .	
امضا پیش رنیه .	
رنیس پیش مداده .	
مداد پیش دواته .	
دوات توی اطاقه .	
طاق درش کلیده	

خلاصه ...
 چه جور ی بگم فلونی ؟
 (می خندد)
 خودت باید بدونی.
 (نمی فهمد)
 نه والله !
 (با دست اشاره مخصوصی می کند)
 می فهمی ؟
 نه بالله !
 پس بذار حالت بکنم ...
 ... بفرما.
 هر چیزی تکلیفی داره.
 هر کاری ادایی داره
 فال بگیری نیاز داره
 زن بگیری جهاز داره
 تیاتر بری بلیط می خواد .
 هر جا بخوای بگردی رو واز بکنی
 بالاخره کلید می خواد.
 حالت شد ؟ ...
 ... نه والله .
 چقدر خنگی ماشالله !
 ببین جونم ... به اصطلاح ...
 اله سون و وله سون ...
 پول چایی رو چیکار کن ؟ ...
 چه عرض کنم ؟
 ... (کلافه) برسون ... !!
 (سکوت)
 بالاخره حالت شد ؟
 البته ... چه جورم !
 (فیل یکی از شاخهای خود را برمی دارد و به او می دهد)
 خیلی باهاس ببخشین .
 چه حرفا !
 قابل شما رو نداره .
 چه کارا !
 بنده که روسیاهم .
 بنده بارگناهم !
 خوب ... حالا من ...
 چاکر آستاتم !
 عرض شود ...
 ... نوکر خانه زادم !
 عرض می کنم چه روزی خدمت برسم ؟
 ای آقا خدمت از ماست !
 (چیزی می نویسد و امضا می کند)

فیل

خرس

خرس

خرس

فیل

خرس

فیل

خرس

فیل

خرس

فیل

خرس

فیل

خرس

فیل

خرس

فیل

خرس

فیل

خرس

فیل

خرس

فردا پیام؟	فیل
نه قربون .	خرس
یه شنبه؟	فیل
نه جاتم.	خرس
دوشنبه ...؟ سه شنبه ...؟	فیل
(شناسنامه کامل را به دست او می دهد)	خرس
بفرمائین ...	
... چطور شد؟ (متحیر است)	فیل
سجالتون حاضره .	خرس
(از تعجب نفسش بند آمد)	فیل
ح ... ح ... ح ... ح ... حاضره؟ ...	
سام علیک ... بفرمائین	خر
(فیل خسته و وامانده و گیج کنار او می نشیند و به نقطه ای خیره می شود)	
خوب چطو شد؟ ... یارو آخرش چی گفت؟	
(فیل مات نگاه می کند)	
آخرش برات سچل صادر کرد؟	
(سکوت)	
اوی ... عمو ... دارم باهات حرف می زنم !	
مگه خوابت برده ؟	
(بخود می آید)	فیل
اوه ... بله	
خیلی معذرت می خوام ... چی فرمودین ؟	
پرسیدم سچل گرفتی؟ ...	خر
... بله ...	فیل
... الحمدالله.	خر
خیلی اوضات خراب بود ...	
... بله قربان ، می دونم .	فیل
حالا بین خودمون ،	خر
یارو هم لوطی گری کرد چون تو .	
آگه نه صدور این سچل سه ماه طول می کشید.	
بله ... من شانس آوردم ...	فیل
... پس چی !	خر
آخه من به اون یارو	
بابت کار شما خیلی سفارش کردم .	
ممنونم ،	فیل
(نزدیک می شود)	خر
خوب داداش ، بالاخره ،	
اسم سرکار چی شد؟	
فیل قربان ... نه ... چی چیز ...	فیل
صبر کنین نیگاه کنم	
اوه ... بله .	
م ... منوچهر !	

(همه به شدت می خندند- فیل چند لحظه مات و گیج به شناسنامه و نام بی مسمانی که بر او نهاده اند خیره می شود و بعد با یک حالت عصبی ماسک خود را بر می دارد و به دور می اندازد و با صدایی که از اعماق وجودش برخاسته فریاد می کشد)

فیل

خیر نبینی ...

خیر نبینی ...

خیر نبینی حمومی ...

(کم کم دیگران به صورت دسته ی کر همراه او شروع به آواز

خواندن می کنند و گرد او می رقصند.)

... طاس و دولیچه م جهنم

لنگ و قدیقه م روبردن

طاس و دولیچه و لنگ و قدیقه م جهنم

فرش و قالیچه م رو بردن

طاس و دولیچه و لنگ و قدیقه و فرش و قالیچه جهنم

دندون عاجم رو بردن

دندون عاجم جهنم

خرطومم رو خوردن

خرطومم جهنم

حتی اسمم رو بردن

خیر نبینی ... خیر نبینی حمومی ،

(فیل با فریاد آخرین در برابر سقاخانه به زانو می افتد و خاموش می ماند.

دیگران به جز میمون که در تمام مدت به گوشه ای خزیده بود و ساکت بود یکی

یکی درحین رقص از صحنه خارج می شوند. گوینده وارد می شود)

گوینده

بچه ها سلام .

(کسی پاسخ نمی دهد .)

بچه ها ...

(سکوت)

بچه ها ...

(سکوت - گوینده مضطرب می شود)

بچه ها ...

من دارم قصه می گم ... !

(وحشت زده فریاد می کشد)

بچه ها ... بچه ها !!

(میمون ماسک خود را برمی دارد و برمی خیزد و درحالی که

می خواند به طرف فیل می رود)

نه دیگه ...

میمون

نه دیگه این واسه ما دل نمی شه .

(بازوی فیل را می گیرد و او را از زمین بلند میکند. نگاهش با نگاه وحشت

زده و لبریز از تنهایی گوینده برخورد می کند. با لبخندی تلخ)

آقا ما مجنونیم

آقا ما داغونیم ...

(زیر لب)

گوینده

خودمون می دونیم .

(صحنہ تاریک می شود)

پایان

این نمایشنامه با عنوان نمایش برگزیده تلویزیون ملی ایران در جشن هنر شیراز ۱۳۴۷ بروی صحنه برده شد و به دریافت امتیاز نائل آمد.

در سال ۱۳۴۷ یکبار در جشن هنر شیراز و دوبار در تالار بیست و پنج شهریور بازی شد.

داستانسرا	جمیلہ ندانی « مفید »
خالہ سوسکہ	تہمینہ مدنی
خرس	فرخ صوفی
سگ	فرہاد صوفی
خر	محمود استاد محمد
میمون	آرش
نقشہای نمایشنامہ شہر قصہ عبارتند از :	بزرگہ در اجرای آن بہ کارگردانی بیژن مفید توسط :
رشید کنعانی	
فیل	حسین والامنش
روپاہ	عباس جاویدان
اسب	سہیل سوزنی
شتر	اردوان مفید
موش	ہومن مفید